



## بازخوانی پرونده قتل



رحمت اله نصیرپور  
وکیل پایه یک دادگستری  
مدرس دانشگاه

### شرح واقعه

بنا به حکایت پرونده، آقای مهدی (م) (مقتول) و خانم نرگس (ر) (دختر متهمه) مدت‌ها با هم رابطه دوستانه داشته‌اند و در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ شب هنگام پس از رد و بدل نمودن پیامک‌های متعدد، مقتول به درب خانه متهمه رفته است. دختر متهمه درب پارکینگ را باز نموده و بعد از آنکه مطمئن می‌شود مادرش (متهمه/خانم نیکبخت م) داخل حمام است، مقتول را به اتاق خویش هدایت می‌نماید. متهمه بعد از خروج از حمام، به اتاق می‌آید که با حضور مقتول مواجه می‌شود و با یک عدد پیچ گوشتی که روی چرخ خیاطی بوده، ضربه‌ای به پهلوئی چپ مقتول وارد می‌نماید. مقتول نیز چون درب اتاق بسته بوده، از پنجره پایین پریده و فرار می‌کند و در حال فرار وی از پنجره، متهمه با همان پیچ گوشتی یک ضربه‌ی دیگر نیز به ساق پای چپ مقتول وارد می‌نماید. در نهایت جسد وی توسط فردی از عوامل شهرداری یافت می‌شود.

\*\*\*

پس از طرح شکایت توسط اولیاء دم (پدر و مادر مقتول) و پس از انجام تحقیقات در



دادسرا و صدور قرار جلب و کیفرخواست، مراتب در دادگاه محترم کیفری یک رسیدگی و با این استدلال که اصل جنایت ثابت است ولی نوع آن ثابت نیست، موضوع مطابق ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی تشخیص داده شده و ضمن منتفی دانستن قصاص، محکوم علیه را به حبس و پرداخت دیه و دو سال منع اقامت در ایران محکوم می‌نماید. متن دادنامه صادره به شرح ذیل است:

## \* دادنامه بدوی دادگاه کیفری یک استان

### ”رای دادگاه“

در خصوص اتهام خانم نیک بخت (م) فرزند ناظر متولد ۱۳۶۰ اهل افغانستان ساکن ایران - قم دایر بر ارتکاب یک فقره قتل عمدی مرحوم مهدی (م) فرزند شیرعلی متولد ۱۳۷۹ اهل افغانستان ساکن ایران - قم باتوجه به محتویات پرونده شکایت اولیاء دم گزارش مرجع انتظامی، گواهی پزشکی قانونی، تحقیقات بعمل آمده منجر به صدور کیفرخواست از سوی دادسرای عمومی و انقلاب قم نحوه ی اظهارات و اقراریه متهمه در مرجع انتظامی، دادسرا و دادگاه مویداً به سایر امارات و قرائن موجود در پرونده که همگی حاکی از آن است مقتول با دختر متهمه رابطه داشته و شب حادثه به منزل ایشان می‌رود و متهمه مدعی است ”از حمام که خارج شدم متوجه سر و صدا از پائین شدم وقتی به اتاق پائین آمدم دخترم نیمه عریان داخل اتاق بود و مقتول عریان در کمد مخفی شده بود که با دیدن من از کمد خارج شد و لباس‌هایش را پوشید و دست دخترم را می‌کشید که در اتاق بسته شد و چون دستگیره نداشت امکان باز شدن از داخل میسر نبود یک پیچ گوشتی روی چرخ بود برداشتم و می‌خواستم به دستش بزنم که پیچ گوشتی به پهلویش خورد و خدا شاهد است که قصد قتل نداشتم که چون در اتاق بسته بود مقتول از پنجره فرار کرد و بعد از طی مسافتی به زمین افتاده و فوت می‌نماید“ و لذا اصل جنایت ثابت است ولی نوع آن ثابت نیست بنابراین موضوع منطبق با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تشخیص داده شده و ضمن منتفی دانستن قصاص با استناد به مواد ۴۶۲، ۴۴۸، ۲۳، ۴۴۸، ۴۶۲، بند ب ۵۴۹، ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ۶۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ متهمه موصوفه را بابت ارتکاب قتل مرحوم مهدی (م) ظرف ۲



سال قمری از تاریخ وقوع قتل (۱۳۹۸/۲/۲۵ شمسی مصادف با ۹ رمضان المبارک ۱۴۴۰ قمری) به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول و بابت جنبه عمومی بزه چون قصاص منتفی شده و اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه شده و بیم تجری وی و دیگران می رود به تحمل سه سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می نماید و از باب تکمیل حکم صادره نامبرده را به مدت ۲ سال از اقامت در ایران منع می نماید رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می باشد.

\*\*\*

پس از تسلیم به رای توسط محکوم علیه، دادگاه محترم بدوی از باب تخفیف یک چهارم از مجازات حبس تعزیری محکوم علیها را کسر نمود. لیکن با فرجام خواهی اولیاء دم به شرح لایحه ذیل الذکر، مراتب به دیوان محترم عالی کشور ارجاع می گردد: (لازم به ذکر است لایحه ذیل به قلم وکیل اولیاء دم نگاشته شده و متعاقب نقض رای در دیوان محترم عالی کشور و ارجاع مجدد به شعبه جهت تکمیل تحقیقات، اعلام و کالت گردیده است).

### \* لایحه فرجام خواهی اولیاء دم

ریاست و اعضای معظم دیوان عالی کشور  
با سلام و احترام؛

نظر به پرونده کلاسه مطروحه موضوع شکایت اینجانبان شیرعلی (م) و حمیده (الف) علیه خانم نیکبخت (م) دایر بر اتهام قتل عمدی، از آنجا که شعبه ... دادگاه کیفری یک به شرح دادنامه صادره، موضوع را منطبق با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی دانسته و وی را به پرداخت دیه و نیز حبس (جنبه عمومی جرم) محکوم ساخته، بدینوسیله در بقای فرجه قانونی مراتب اعتراض شدید خود را به دادنامه صادره اعلام و عاجزانه از قضات دانشمند دیوان عالی کشور مذاقه در محتویات پرونده، لایحه حاضر و بالنهایه صدور حکم مقتضی مورد استدعاست.



## ۱- شرح واقعه در یک نگاه

بنابر حکایت پرونده خانم نرگس (ر) (دختر متهمه) به موجب پیام‌های رد و بدل شده فیما بین وی و مقتول، وی را به منزل خویش فرا می‌خواند.

ص ۷۳-پیام-نرگس (ر): خابید (خواهید) بابام...

صفحه ۳۲ نرگس (ر): در مورخ ۹۸/۲/۲۴ با مهدی از طریق پیام و تلگرام صحبت کردیم... گفتم درب پارکینگ را باز می‌کنم بیا ... ساعت حدود ۲۰:۰۰ (بامداد) ... درب پارکینگ را باز کردم ...

شرح از زبان نرگس (ر) در همان صفحات اولیه پرونده قابل توجه است. اظهارات بی‌شائبه‌ای که انطباق آن با واقع را نشان می‌دهد.

صفحه ۳۲ و ۳۳ نرگس (ر): رفتیم داخل اتاق نیم ساعت پیش هم بودیم... من رفتم طبقه بالا دیدم مادرم حمام رفته، مجدد برگشتم داخل اتاق، پس از یک دقیقه مادرم درب زد. مهدی رفت داخل کمد درب را بست، مادرم وارد اتاق من شد، گوشی مهدی را دید ناراحت شد... دنبال شانه می‌گشت. درب کمد را باز نمود. متوجه حضور مهدی داخل کمد شد. چون روسری سر نداشت برگشت عقب درب اتاق را بست و پیچ گوشتی که کنار چرخ خیاطی بود برداشت. مهدی کنار پنجره بود می‌خواست خودش را پایین بیندازد مادرم وی را کشید سمت خودش. با پیچ گوشتی ضربه‌ای به پهلوی وی کوبید و مهدی از پنجره خود را که حدود دو متر است پایین انداخت و متواری شد و مادرم چند سیلی به من زد و قضیه را به پدرم گفت ...

متهم (خانم نیکبخت م) نیز در همان اول تشکیل پرونده، فارغ از تلقین‌ها و آموزه‌های غیر اخلاقی، برآیند واقع را در اظهارات خود منعکس ساخته است.

صفحه ۳۹ و ۴۰ خانم نیکبخت (م): قبول دارم با پیچ گوشتی زدم ... یک پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی بود برداشتم یک ضربه از پهلویم زدم. سمت پنجره خودش را پایین پرت کرد. موقع افتادن یک ضربه هم از ساق پایش با همان پیچ گوشتی زدم ...

صفحه ۵۱ و ۵۲ خانم نیکبخت (م): قبول دارم با پیچ گوشتی فقط به پهلوی وی زدم. دخترم می‌گوید ضربه‌ای به پای وی زدم اما یادم نیست ... می‌خواست از طریق پنجره



فرار کند ... گفت ببخشید دیگر مزاحم نمی‌شوم. دمپایی‌هایش را داخل کوچه پرت کرد و خودش را از پنجره بیرون انداخت ...

در کمال تاسف با ورود وکیل به این پرونده، به ناگاه ادبیات متهمه و دختر وی با تغییری فاحش به یک داستان پردازی فرافکنانه تبدیل شده و از طرح واقعیت فاصله چشم‌گیری گرفته است. اظهاراتی که متأسفانه دادگاه محترم بدوی نیز بدون توجه به اظهارات بی‌شائبه قبلی، برای توجیه رد اتهام قتل عمدی به دفاعیات تلقینی اخیر متهم متوسل گردیده است!

تناقضات فاحش این اظهارات و داستان پردازی‌های جدید چنان نخ نما و ساختگی و تلقینی است که نه تنها هر حقوقدان بلکه هر فرد عادی را به این دروغ پردازی‌ها رهنمون می‌سازد!

صفحه ۸۱ خانم نرگس (ر): ... می‌خواست مرا با زور بیرون ببرد!!

صفحه ۱۳۲- خانم نیکبخت (م): ... من فقط می‌خواستم دست دخترم را ول کند ... هر کسی باشد از ناموسش دفاع می‌کند.

## ۲- قتل حادث، در شمول قتل عمدی است.

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، شقوق جنایت عمدی را برشمرده است. بند ب ماده مزبور اذعان می‌دارد: هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌گردد.

بنابر تبیین واقعه از زبان متهمه و دخترش (ناظر واقعه) (که شرح آن گذشت) و نیز گزارش معاینه جسد (ص ۸۵) که اشعار داشته: "بریدگی یک لبه مورب کوچک قسمت فوقانی پهلوی چپ که لبه تیز و حاده آن به سمت خلفی فوقانی مشهود بوده" و نیز شرح کالبد گشایی جسد (ص ۸۶) که به درگیر شدن بطن‌های چپ و راست قلب و سوراخ شدن آن و ورود خون زیاد از قلب به آبشامه و پس از آن ورود به فضای جنب چپ را مورد اشاره واقع ساخته و علت تامه‌ی مرگ را عوارض ناشی از اصابت جسم نوک تیز (پیچ گوشتی) دانسته، در تطبیق جنایت با بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی هیچ



گونه تردیدی نیست!

جالب توجه اینکه وکیل متهم، در پی یافتن روزه‌ای برای رهایی موکل خویش از اتهام قتل عمدی، به این دفاع متوسل گردیده که علت مرگ صدمات ناشی از پیچ گوشتی نبوده، بلکه پریدن و طی مسیر توسط مقتول بوده است! که البته این موضوع از سوی دادگاه محترم بدوی از پزشکی قانونی مورد استعلام واقع شده که پزشکی قانونی به شرح صفحه ۱۶۵ صراحتاً و با اذعان تمام و بدون هیچ گونه تردیدی اذعان داشته است: با توجه به نوک تیز بودن و سطح کوچک سر و طول نسبتاً بلند پیچ گوشتی در صورت فرو کردن آن در بدن شخص با نیروی زیاد به علت احتمال آسیب عروق بزرگ یا احشاء حیاتی در مسیر عبور می‌تواند منجر به مرگ گردد. همچنین پزشکی قانونی در ادامه اذعان داشته است: با توجه به صدمات شدید و کشنده ایجاد شده در صورت عدم حرکت متوفی نیز مرگ حادث می‌گردد.

### ۳- داستان پردازی‌ها و دفاعیات دروغین:

همانگونه که معروض گردید متهم و دخترش در ابتدای پرونده در بیان واقعه، راه صداقت را پیش گرفته‌اند لیکن بعدها، به طرح اظهاراتی متوسل گردیده‌اند که بنابر آنچه قبلاً از زبان خود مطرح ساخته بودند، هیچ تطبیق و سنخیتی با واقع ندارد. مقایسه برخی از این اظهارات در دو برهه زمانی مذکور، به عنوان نمونه خالی از لطف نیست:

صفحه ۳۲-۳۳ ... نرگس (ر): مهدی کنار پنجره بود می‌خواست خودش را پایین بیندازد. مادرم وی را کشید سمت خودش و پا پیچ گوشتی ضربه‌ای به پهلوی وی زد و مهدی می‌خواست از پنجره پایین بیاید یکی هم به پای وی کوبید...

صفحه ۵۱ نیکبخت (م): می‌خواست از پنجره فرار کند... گفت دیگر مزاحم نمی‌شوم. دمیایی‌هایش را داخل کوچه پرت کرد و خودش را از پنجره بیرون انداخت!

صفحه ۸۱ نرگس (ر):... می‌خواست مرا با زور بیرون ببرد(!!!)

صفحه ۱۳۲ نیکبخت (م): (توسل دروغین به دفاع مشروع)، من فقط می‌خواستم دست دخترم را ول کند... هر کسی باشد از ناموسش دفاع می‌کند(!!!)



بی‌اخلاقی در طرح دفاعیات دروغین تا آنجا پیش رفته که در مقطعی علت مرگ مقتول تزریق مواد مخدر عنوان شده، حال آنکه مقتول هرگز هیچ گونه موادی مصرف نداشته که مراتب در نظریه پزشکی قانونی صفحه ۱۰۶ پرونده مورد اشاره واقع شده که طی آزمایشات سرولوژی و سم‌شناسی، خون مقتول عاری از هرگونه مواد سمی بوده است! در مقطعی دیگر، متهم در راستای آموزه‌های غیر اخلاقی ثالث یا ثالثین در صفحات پایانی پرونده (صفحه ۱۴۸) سعی داشته چنان وانمود کند که مقتول با دخترش به زور وارد رابطه جنسی شده و حتی نرگس (ر) نیز برای رهایی مادرش به همان آموزه‌ها و دفاعیات غیر اخلاقی متوسل شده است به طوری که مدعی شده مقتول تاکنون ۵ بار به وی تجاوز کرده است! (صفحات ۱۰۸ تا ۱۱۰)

این در حالیست که این دفاعیات غیر مرتبط نیز با اقبالی مواجه نمی‌گردد و دروغ بودن این دفاع - که گویا برای تشتت و انحراف ذهن قضات معظم ساخته و پرداخته شده بوده - نیز برملا می‌شود، چرا که پزشکی قانونی طی انجام معاینات کامل مورخ ۹/۳/۹۸ به صراحت بر سالم بودن پرده بکارت و نیز عدم وجود هرگونه علائمی دال بر مقاربت از دبر تاکید می‌سازد (صفحه ۱۱۳)

#### ۴- استدلال دادگاه بدوی فاقد وجاهت قانونی است.

همانگونه که در دادنامه منعکس است در جهت انتفای قتل عمدی - علی‌رغم ماده ۲۹۰ ق.م.ا. و تطبیق بند ب با رفتار ارتكابی - به ماده ۴۷۲ ق.م.ا. متوسل شده که به هیچ وجه قابل توجیه نیست! چرا که ماده ۴۷۲ زمانی قابلیت توسل دارد که نوع جنایت (اعم از عمدی، شبه عمدی یا خطای محض) معلوم نبوده و مردد باشد، نه در شرایطی که به حکم ماده ۲۹۰ رفتار ارتكابی حاضر، انطباق با جنایت عمدی دارد!

قضات شریف و دانشمند دیوان التفات دارند که قانونگذار در بندهای "ب" و "پ" ماده ۲۹۰ ق.م.ا.، مصادیق قتل عمدی تبعی را یادآور شده است و منظور از عبارت "هر چند قصد ارتكاب آن جنایت یا نظیر آن را نداشته باشد..." در بند "ب" آن است که: در قتل لازم نیست که نتیجه ابتدایی و مستقیم وجود داشته باشد. در واقع در چنین مواردی، رفتار نوعاً کشنده خود حاکی از قصد مجرمانه قتل است و با وجود آن مقنن، فرض را بر



عمدی بودن قرار داده است.

مسلم است که ضابطه بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا، ارتکاب رفتار عمدی نوعاً کشنده است. علم و آگاهی فرد، مندرج در بند مذکور بر مبنای متعارف قابل احراز است، به طوری که عمد و قصد در انجام فعل نوعاً کشنده بیانگر قصد کشتن و قتل بوده و سوء نیت مفروض است زیرا عمل ارتكابی عادتاً با قتل ملازمه دارد. (دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ج ۱، ص ۱۰۴ - سید محمد حسن مرعشی)

هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در رای اصداری کیفری ۴-۱۳۷۵/۳/۲۹ پرونده شماره ۴-۱۳۷۵ جلسه شماره ۷-۱۳۷۵ چنین نظر داده که: "هرگاه عمل، نوعاً کشنده باشد، ادعای فقدان قصد قتل پذیرفته نیست. اگر نظریه پزشکی قانونی بر خونریزی مغزی در اثر ضربه دلالت نماید، با توجه به اینکه متهم به تاب دادن گردن همسرش اقرار کرده و شهود نیز زدن سر وی به زمین را تایید نموده‌اند... دفاع فقدان قصد... قابل پذیرش و ترتیب اثر نمی‌باشد".

کار نوعاً کشنده یا فعل نوعاً کشنده، مفهومی عام و صرفنظر از آلت یا وسیله قتاله یا غیر قتاله می‌باشد. یعنی آن که ممکن است عمل به اعتبار وسیله ارتکاب و یا مواضع ارتکاب و یا نحوه ارتکاب کشنده محسوب گردد و ضرورتی ندارد که حتماً آلت قتاله باشد. بنابراین رابطه بین آلت قتاله و فعل نوعاً کشنده، رابطه عموم و خصوص مطلق است، به نحوی که آلت قتاله از مصادیق فعل کشنده می‌باشد، اما فعل نوعاً کشنده، منحصر به آلت یا وسیله قتاله نمی‌باشد (در تایید این نظر: ایرج گلدوزیان، ج ۱ ح ۶-ص ۴۴. محمد صالح ولیدی، ح ج ۱، ج ۲، ص ۷۰)

هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز برابر رای اصراری شماره ۳۴ مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۸ اشاره داشته است که: "ایراد ضرب عمدی با چوب به سر مقتول به وسیله متهم که منجر به شکستگی استخوان جمجمه، خونریزی مغزی و فوت گردیده، با توجه به آلت ضرب و موضع اصابت و نتیجه حاصله و عمد متهم در ایراد ضرب، از مصادیق قتل عمد است".

موارد بی شمار مشابه واقعه موضوع این پرونده که در رویه قضایی به ویژه آرای قابل توثیق و متواتر دیوان عالی کشور، همگی از مصادیق قتل عمدی دانسته شده است، قابل



توجه بوده و بیش از پیش عدم وجاهت رای صادره در این پرونده را نمایانگر می‌سازد. علی‌ایحال با عنایت به مراتب مذکور و با توجه به اقراریه متهم در صفحات ۳۹، ۵۱، و... و اظهارات ناظر واقعه (خانم نرگس ر) در صفحات ۳۲، ۳۳ و... گزارش معاینه جسد (صفحه ۸۵) و شرح کالبد شکافی جسد (صفحه ۸۶) و با نظر به نامه پزشکی قانونی (صفحه ۱۶۵) به عنوان فصل الخطاب نظر پزشکی و علمی در پرونده حاضر و توجهاً به دفاعیات و اظهارات متناقض متهم در مراحل اولیه و پس از ورود وکیل وی به پرونده و نیز تناقض دفاعیات وکیل و موکل در شرح واقعه قتل، توسل بلاوجه به دفاع مشروع به رغم آنکه متهمه و دخترش عنوان داشته‌اند که مقتول قصد فرار داشته وی را به داخل کشیده و مورد ضرب قرار داده‌اند و با تاکید بر شقوق جنایت عمدی در ماده ۲۹۰ ق.م.ا و تطبیق موضوع با بند ب ماده یاد شده و انتفای استدلال بلاوجه دادگاه بدوی در مردد بودن نوع جنایت، ضمن اعلام جهات فرجام‌خواهی مذکور در ماده ۴۶۴ ق.آ.د.ک به ویژه بندهای الف و پ ماده یاد شده و نیز بند ب ماده ۴۶۹ همان قانون، نقض دادنامه معترض عنه و ارشاد و ارجاع پرونده به دادگاه همعرض وفق ردیف ۴ بند ب این ماده مورد استدعاست. با پوزش از اطاله کلام- اولیای دم مقتول (شکات)

\*\*\*

بالنهاییه متعاقب فرجام‌خواهی اولیاء دم، دیوان عالی کشور به لحاظ نقص تحقیقاتی، دادنامه سابق الصدور را نقض و جهت رسیدگی مجدد به همان شعبه برای تکمیل تحقیقات ارجاع می‌نماید. مشروح دادنامه صادره از دیوان عالی کشور دایر بر نقض دادنامه بدوی، به شرح ذیل است:

### \* دادنامه صادره از دیوان عالی کشور

خلاصه جریان پرونده:

در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ و بدنبال کشف جسد نوجوان هفده ساله تبعه افغانستان در محله کلهری داخل خرابه ای در حوزه کلانتری ۲۸ شهر قائم شهرستان قم و با حضور مامورین مربوطه در محل مشهودات و اقدامات خود را در ساعت ۰۶:۰۰ دقیقه مورخه فوق این‌گونه



گزارش کرده‌اند: فردی به هویت صادق (ع) از عوامل شهرداری بیان داشته در حال تردد بودم که مشاهده نمودم فردی بر روی زمین افتاده که با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم، عوامل اورژانس نیز در محل حاضر و مشاهده گردید که نوجوان افغانی روی زمین افتاده که در بررسی اولیه آثار جراحی منجر به مرگ مشاهده نگردید و روی بازوی وی آثار تزریق مشاهده که فاقد هر گونه مدارک هویتی بوده و صرفاً گوشی همراه وی مشکی رنگ متعلق به متوفی بصورت خاموش و فاقد شارژ کنار متوفی یافت شد ... پس از راه‌اندازی گوشی متوفی، در نتیجه برادر متوفی با گوشی تماس حاصل که افراد خانواده وی به کلانتری مراجعه و هویت متوفی مهدی (م) فرزند احمد حسین ۱۷ ساله ساکن کلهری ۲۶ پلاک ۲ معرفی نموده که از والدین و برادران وی تحقیق بیان داشته‌اند که مرحوم هیچ‌گونه اعتیادی نداشته و ساعت ۲۳:۰۰ دقیقه مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ با یکی از دوستان خود قهوه خانه بوده و پس از آن گوشی وی کلاً خاموش شده و با دختری به نام نرگس که افغانی است نیز رابطه داشته و از سوی اقوام دختر و دایه‌های وی چندین بار تهدید شده که دست از سر دختره بردارد که وی بی توجهی ننموده و حتی دو روز نیز با دختره به تهران رفته است. با اعلام مراتب به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان مذکور و ارجاع قضیه به شعبه هفتم بازپرسی سلسله اقداماتی پیرامون موضوع انجام و در جریان آن از خانم نرگس (ر) فرزند محمود ۱۷ ساله تبعه افغانستان تحقیق و مشارالیه‌ها طی مطالبی به شرح ماجرا پرداخته و چنین اظهار کرده است... در مورخه ۱۳۹۸/۲/۲۴ با مهدی محمدی از طریق پیام تلگرام باهم صحبت می‌کردیم و آخرهای شب به من گفت کارت دارم می‌خواهم شما را ببینم، ابتداء قبول نکردم اما بعداً گفتم درب پارکینگ را باز می‌کنم بیا. در ساعت ۰۰:۲۰ دقیقه مورخه ۱۳۹۸/۲/۲۵ ایشان آمد ابتداء سر کوچه ایستاد و از پنجره او را دیدم پائین درب ورودی پارکینگ را باز کردم ایشان وارد پارکینگ شد گفتم داخل پارکینگ با هم صحبت کنیم اما او دستم را گرفت که برویم داخل اتاق بعد از آن رفتیم داخل اتاق خودم حدود نیم ساعت پیش هم بودیم من رفتم طبقه بالا دیدم مادرم رفته حمام، مجدداً برگشتم داخل اتاق پس از یک دقیقه مادرم درب زد و مهدی رفت داخل کمد و درب کمد را بست که مادرم وارد اتاق من شد گوشی مهدی را دید ناراحت شد



این گوشی مال کیه؟! گفتم گوشی خواهرم است و مادرم به دنبال شانه می گشت درب کمد را باز نمود متوجه حضور مهدی داخل کمد شد چون روسری نداشت برگشت عقب درب اتاق را بست و پیچ گوشتی که کنار چرخ خیاطی بود برداشت، مهدی کنار پنجره بود می خواست خودش را پائین بیندازد مادرم وی را کشید سمت خودش با پیچ گوشتی ضربه ای به پهلوی وی زد و مهدی می خواست از پنجره پائین بیاید یکی هم به پای وی کوبید و مهدی از پنجره خود حدود دو متر است پائین انداخت و متواری شد و مادرم هم چند سیلی به من زد و قضیه را به پدرم گفت. سوال شده: آیا پدرت در این قضیه دخالت داشته؟ که مشارالیهها پاسخ داد: خیر هیچ دخالتی نداشت زمانی که مادرم جریان را گفت متوجه شد. سوال: چند سال است با مهدی آشنا شده اید؟ جواب: حدود شش سال با او دوست بودم و قصد ازدواج داشتیم که خانواده ام راضی نبود. (صفحات ۳۲ و ۳۳ پرونده). بدنبال شناسائی متهمه و دستگیری وی، مشارالیهها در نزد بازپرس شعبه پنجم دادسرای عمومی شهرستان قم مورد استنطاق قرار گرفته و خود را خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر ۳۷ ساله متاهل تبعه افغانستان معرفی و هنگامی که اتهام قتل عمدی مرحوم مهدی (م) به وی تفهیم شده ضمن قبول اتهام چنین بیان داشته است: قبول دارم، با پیچ گوشتی زدم، حدودا شش سال است مزاحم دختر من است ساعت حدود دوازده شب وارد خانه ما شده بود در طبقه روی پارکینگ با دخترم بود من حمام رفته بودم سر لخت بودم رفتم سر کمد چیزی بردارم سرم را خشک کنم که دیدم داخل کمد است دنبال چیزی بودم، روی سرم بگذارم چیزی روی سرم گذاشتم به او گفتم چرا آمدی چرا اذیت می کنی؟!، گریه می کردم می گفت دیگر نمی آیم گفتم صدبار گفتی ولی باز هم می آیی، یک عدد پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی بود برداشتم یک ضربه از پهلوی زدم، سمت پنجره خودش را پائین پرت کرد، موقع افتادن یک ضربه هم ناحیه ساق پای او با همان پیچ گوشتی زدم از بالا نگاه کردم دیدم بلند شد و رفت، خودم دیدم با پای خودش رفت گفتم چیزی نشده است، بعد از دو سه روز توی پارک خانمی گفت پسره تزریق کرده و مرده است (صفحات ۳۹ و ۴۰ پرونده). در معاینات انجام شده، مرکز پزشکی قانونی شهرستان قم، وجود بریدگی یک لبه مورب کوچک قسمت فوقانی پهلوی چپ و همچنین خراشیدگی قدام



بازو و خلفی فوقانی ساعد راست و گل آلود بودن خلف بازو، ساعد و پشت دست انگشتان دست چپ مقتول مهدی (م) مورد تایید قرار داده و در پایان علت مرگ را صدمات متعدد بدنی (صدمات قفسه سینه، پارگی بطن‌های قلب، آبشامه...) و عوارض ناشی از آن در اثر اصابت جسم نوک تیز تعیین و اعلام گردیده است. (صفحات ۸۵ و ۸۶ پرونده). برابر گزارش مرکز تشخیص هویت پلیس آگاهی، نمونه ی خون باقیمانده روی پیچ گوشتی (آلت قتاله) به همراه نمونه های ماخوذه از پدر مقتول بنام آقای شیرعلی (م) و مادرش به نام حمیده (الف) مورد بررسی و آزمایش DNA-Typing واقع که نتایج بدست آمده چنین اعلام گردیده است. هاپلوتاایپ های کروموزوم Y نمونه ارسالی از روی پیچ گوشتی در چندین جایگاه ژنتیکی دارای آغستگی به هاپلوتاایپ های کروموزوم Y نمونه خون اخذ شده از شیرعلی (م) و به فرد دیگر می‌باشد... ص ۱۰۴. همچنین و برابر نظریه شماره ...-۱۳۹۸/۶/۲۱ مرکز پزشکی قانونی قم که در تکمیل نظریه قبلی تحریر گردیده است بوده چنین آمده است... در خصوص متوفی مهدی (م) فرزند شیرعلی براساس شرح معاینه جسد باستحضار می‌رساند ۱- صدمه کشنده ای ناشی از سقوط و برخورد با جسم سخت یا پرش متوفی از پنجره ساختمان یافت نشد ۲- با توجه به ابعاد و عمق جراحات وارده (بریدگی پهلوی چپ) می‌تواند با استفاده از پیچ گوشتی ایجاد شده باشد. ص ۱۲۴. متعاقب بررسی های فوق و پاره ای اقدامات دیگر در نهایت بازپرس مرجوع الیه بشرح دادنامه شماره...-۱۳۹۹/۲/۱ اتهام انتسابی به خانم نیکبخت (م) دائر به قتل عمدی مرحوم مهدی (م) را احراز و از این حیث قرار جلب مشارالیه را به دادرسی صادر لکن راجع به شکایت دیگر اولیاء دم علیه خانم نرگس (ر) دائر به شرکت در قتل مستندا به ماده ۳۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب نامبرده صادر و اعلام گردیده است. ص ۱۷۵. پس از موافقت با قرارهای صادره و صدور کیفرخواست مربوطه و ارسال پرونده به محکمه ذیصلاح، رسیدگی به مورد به شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم ارجاع و این دادگاه متعاقب بررسی هائی منجمله اقدامات اولیه و مهیا نمودن تمهیدات دادرسی و تهیه گزارش موضوع مواد ۳۸۴ تا ۳۸۹ قانون آیین دادرسی و پس از تشکیل جلسه دادرسی که با حضور اولیاء دم و متهم و وکلای ایشان تشکیل و بعد از استماع شکایت شکات مفادا



بر تقاضای قصاص نفس و با شنیدن مدافعات متهمه و وکیل مشارالیه‌ها سرانجام با اعلام ختم دادرسی حکم قضیه را طی دادنامه ی شماره ... - ۱۳۹۹/۴/۳۰ صادر و بموجب آن ضمن منتفی دانستن قصاص و با انطباق مورد با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ی ۶۱۲ قانون تعزیرات متهمه را بابت قتل متوفی به پرداخت دیه کامله و از حیث جنبه عمومی جرم نیز به تحمل حبس تعزیری محکوم و با این استدلال: در خصوص اتهام خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر متولد ۱۳۶۰ اهل افغانستان ساکن ایران - قم دایر به ارتکاب یک فقره قتل عمدی مرحوم مهدی (م) فرزند شیرعلی متولد ۱۳۷۹ اهل افغانستان ساکن ایران - قم با توجه به شکایت اولیاء دم، گزارش مرجع انتظامی، گواهی پزشکی قانونی، تحقیقات بعمل آمده منجر به صدور کیفرخواست از سوی دادرسی عمومی و انقلاب قم، نحوه اظهارات و اقراریه متهمه در مرجع انتظامی، دادرسی و دادگاه مویداً به سایر قرائن و امارات موجود در پرونده که همگی حاکی از آن است مقتول با دختر متهمه رابطه داشته و شب حادثه به منزل ایشان می‌رود و متهمه مدعی است: "از حمام که خارج شدم متوجه سر و صدا از پائین شدم وقتی به اتاق پائین آمدم دخترم نیمه عریان داخل اتاق بود و مقتول عریان در داخل کمد مخفی شده بود که با دیدن من از کمد خارج شد و لباس‌هایش را پوشید و دست دخترم را می‌کشید که درب اتاق بسته شد و چون دستگیره نداشت امکان باز شدن از داخل میسر نبود یک پیچ گوشتی روی چرخ بود برداشتم و می‌خواستم به دستش بزنم که پیچ گوشتی به پهلویش خورد و خدا شاهد است که قصد قتل نداشتم که چون در اتاق بسته بود مقتول از پنجره فرار کرد و بعد از طی مسافتی به زمین افتاد و فوت می‌نماید و لذا اصل جنایت ثابت است ولی نوع آن ثابت نیست بنابراین موضوع منطبق با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی تشخیص و ضمن منتفی دانستن قصاص با استناد به مواد ۲۳ و ۴۴۸ و ۴۶۲ و ۴۸۸ (بند ب) و ۵۴۹ قانون مذکور و نیز ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات، متهمه موصوفه را بابت ارتکاب قتل مرحوم مهدی (م) ظرف دو سال قمری از تاریخ وقوع قتل (۱۳۹۸/۲/۲۵) شمسی مصادف با ۹ رمضان المبارک ۱۴۴۰ ه ق به پرداخت یک فقره دیه کامله مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول و بابت جنبه عمومی بزه چون قصاص منتفی شده و اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و



امنیت جامعه شده و بیم تجری وی و دیگران می‌رود به تحمل سه سال حبس... محکوم می‌نماید و از باب تکمیل حکم (مجازات) نامبرده را به مدت دو سال از اقامت در ایران منع می‌نماید... الخ رای صادره نیز پس از ابلاغ به متهمه و متعاقب تسلیم مشارالیه‌ها و اسقاط حق فرجام خواهی و نیز بلحاظ عدم اعتراض دادستان و بنا به درخواست محکوم علیها و در اجرای مقررات ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و بر اساس دادنامه شماره ...- ۱۳۹۹/۵/۸ یک چهارم از مجازات حبس تعزیری مشارالیه‌ها تقلیل و تخفیف یافته است. ص ۲۳۰. همزمان با اقدامات فوق اولیاء دم مرحوم مهدی (م) به اسامی شیرعلی (م) (پدر) و خانم حمیده (الف) (مادر متوفی) در فرجه قانونی از حیث عنوان بزه انتسابی اعتراضاتی نسبت به رأی صادره عنوان و ضمن درخواست قصاص نفس فرجام خوانده مبادرت به فرجام خواهی نموده اند که با وصول پرونده به دیوان عالی کشور و جری اقدامات متداوله در نهایت رسیدگی به موضوع به این شعبه محول گردیده است. مشروح لایحه ۹ صفحه ای فرجام خواهان هنگام طرح موضوع و صدور رای خوانده خواهد شد.

هیات شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ... عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای... دادیار دادرسی دیوانعالی کشور اجمالا مبنی بر نظر به این که پرونده از لحاظ تحقیق از مطلعین و تفهیم اتهام انتسابی با توجه به محتویات پرونده و کیفرخواست تنظیمی دارای نقص می‌باشد. لذا به استناد بند ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری عقیده به نقض رای صادره و اعاده پرونده به دادگاه صادر کننده رای دارم. در خصوص دادنامه شماره...- ۱۳۹۹/۴/۳۰ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رای می‌دهد:

## ”رای شعبه“

### رای شعبه

دادنامه فرجام خواسته بنا به جهات ذیل واجد اشکال قانونی است و مستوجب نقض است چه آنکه اولاً: اگر چه مستندات موجود در پرونده خصوصاً گواهی پزشکی قانونی و اقرار مکرر متهمه جملگی دلالت بر وقوع قتل عمدی داشته تا قتل غیر عمدی یا شبه عمدی موضوع ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی مع الوصف چون دادگاه محترم اساساً



فصل نامه علمی - تخصصی / سال سوم، شماره ۷ / پاییز ۱۴۰۳

اقدام خاصی در خصوص نوع قتل بعمل نیاورده است لذا از این حیث پرونده کامل بنظر نمی رسد ثانیاً: خانم نرگس (ر) (دختر متهمه) چنین گفته است... پدرم دخالتی در قضیه نداشت زمانی که مادرم گفت متوجه شد ... ص ۳۴، نظر به اینکه اظهارات خانم یادشده در توجیه اینکه پدرش که در محل وقوع قتل حضور داشته، متوجه موضوع نبوده کفایت به مقصود نمی کند لذا ضرورت دارد آقای محمود (ر) (پدر نرگس و شوهر متهمه) بدواً به عنوان مطلع احضار و از نامبرده پیرامون قضیه تحقیق لازم معمول گردد. ثالثاً: چون عنوان اتهام متهمه که در کیفرخواست ذکر گردیده نوعاً قتل عمدی موضوع ماده ۲۹۰ قانون فوق الذکر می باشد لذا دادگاه بر طبق ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری ملزم بوده حداقل عنوان اتهام جدید را به متهم تفهیم می نمود که از این لحاظ نیز ایراد شکلی بر دادنامه فرجام خواسته مترتب است بناء علیه مستنداً به بند ۲ ذیل شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه فرجام خواسته بلحاظ نقص تحقیقاتی کلاً نقض و جهت رسیدگی مجدد به شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم محول می گردد تا پس از رفع اشکالات یاد شده و نیز انجام هر گونه تحقیق یا اقدام دیگری که برای کشف حقیقت لازم باشد و با توجه به نتایج مستحصله دوباره انشاء رای نماید.

\*\*\*

متعاقب نقض رای صادره در دیوان محترم عالی کشور، دادگاه محترم کیفری یک پس از انجام تحقیقات مورد نظر، به موجب دادنامه صادره به شرح ذیل، متهمه را به قصاص نفس محکوم می نماید:

**\* دادنامه بدوی (کیفری یک استان):**

رای دادگاه

در خصوص اتهام خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر متولد ۱۳۶۰ تبعه افغانستان ساکن ایران - قم دائر بر ارتکاب یک فقره قتل عمدی مرحوم مهدی (م) فرزند شیرعلی متولد ۱۳۷۹ با توجه به محتویات پرونده شکایت اولیاء دم (آقای شیرعلی (م) فرزند احمدحسین به عنوان پدر مقتول و خانم حمیده (الف) فرزند ناظر به عنوان مادر مقتول) گزارش مرجع



انتظامی، گواهی پزشکی قانونی، شرح معاینه جسد، شرح کالبد گشایی جسد، تحقیقات بعمل آمده منجر به صدور کیفرخواست از سوی دادسرای عمومی و انقلاب قم، نحوه اظهارات و اقراریه متهمه در مرجع انتظامی، دادسرا و دادگاه مویداً به سایر امارات و قرائن موجود در پرونده از جمله تحقیقات جدید صورت گرفته از طرفین و همسر و دختر متهمه که همگی حاکی از آن است مقتول و دختر متهمه با هم رابطه داشته‌اند و در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ شب هنگام، پس از رد و بدل شدن پیامک‌های متعدد، مقتول به درب خانه متهمه رفته و دختر متهمه وقتی مطمئن می‌شود مادرش در حمام است مقتول را به اطاق خود در اطاق روی پارکینگ می‌برد و همانطور که دختر متهمه بیان داشته بعد از حدود ۱/۵ ساعت مادرش از حمام خارج شده و به اطاق وی می‌آید که با حضور مقتول در اطاق دخترش مواجه می‌شود البته متهمه مدعی است وقتی پائین آمدم از سوراخ در نگاه کردم برق خاموش بود ولی از پنجره کوچک نور در اطاق بود دیدم دو نفر با هم گلاویز هستند شناختم دخترم و مقتول بودند مقتول لخت بود و دخترم نیمه‌عریان بود ولی شلوارش پاش بود وارد اطاق که شدم مقتول نبود چون از حمام آمده بودم و لخت بودم رفتم سر کمد حوله بردارم که دیدم مقتول در کمد مخفی شده است برگشتم از پشت در پیراهن شوهرم را برداشتم و جلوی خودم گرفتم مقتول آمد بیرون و لباس‌هایش را پوشید گفتم چرا دوباره آمدی گفت دیگر نمی‌آیم دست دخترم را می‌کشید که از روی چرخ خیاطی، پیچ گوشتی را برداشتم و خواستم به دستش بزنم که دخترم را رها کند ولی به پهلویش خورد چون در اطاق بسته شده بود از پنجره خودش را پائین انداخت و رفت دم پای‌هایش جا مانده بود ولی بنظر دادگاه هدف دست مقتول نبوده چون حسب ادعای متهمه، مقتول با دست راست دست دخترش را گرفته بوده پس اگر هدف دست مقتول بود باید به دست راست وی ضربه می‌زد نه به پهلوی چپ مقتول و از طرفی پیچ گوشتی نوک تیز حدوداً ۳۰ سانتی اگر به جای حساس بخورد کشنده است و اصل بر آگاهی است و عدم آگاهی را می‌باید متهمه اثبات کند که نکرد و مکرر در پاسخ سوال دادگاه که آیا آگاه بودی که اگر با چنین آلتی (پیچ گوشتی نوک تیز ۳۰ سانتی) ضربه کشنده این چنینی وارد کنی منجر به مرگ می‌شود، اظهار می‌داشت من قصد کشتن



نداشتم و می‌خواستم به دستش بزنم که دستش را برد بالا و به پهلویش خورد که این ادعا مورد پذیرش دادگاه واقع نشد چرا که عدم قصد ارتکاب جنایت در اینگونه موارد کاربرد ندارد و از طرفی حسب نظریه پزشکی قانونی که علت فوت را صدمات متعدد بدنی (صدمات قفسه سینه، پارگی بطن‌های قلب، آبشامه و ..) و عوارض ناشی از آن بر اثر اصابت جسم نوک تیز اعلام نموده و اینکه دختر متهمه نیز به شرح صفحه ۳۲-۳۳ پرونده اصلاً بحث کشیدن دستش را مطرح نکرده و خود متهمه نیز نزد بازپرس اقرار کرده متهم در حال فرار از پنجره بوده که به او با پیچ گوشتی ضربه زده و همچنین اقرار کرده یک ضربه از پهلویش زدم و موقع افتادن از پنجره هم یک ضربه از ساق پایش با همان پیچ گوشتی زدم که در گواهی پزشکی قانونی نیز خراشیدگی سطح داخلی و خارجی ساق چپ مشهود اعلام شده، ادعای متهمه مبنی بر عدم قصد کشتن مخدوش می‌شود و لذا بزه انتسابی علماً و اقراراً محرز و مسلم تشخیص داده شد دادگاه با استناد به بند ب ماده ۲۹۰ و صدر تبصره ۱ آن، ۳۰۱، ۳۵۱، ۳۸۱، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیه ی شریفه "و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب" متهمه موصوفه را به یکبار قصاص نفس (ازهاق روح به وسیله چوبه دار) محکوم می‌نماید حکم قصاص پس از قطعیت و استیذان از مقام معظم رهبری "مدظله العالی" یا نماینده حضرت ایشان به موقع اجرا گذاشته خواهد شد رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

\*\*\*

متعاقب ابلاغ دادنامه فوق الذکر و فرجام‌خواهی متهمه، مراتب مجدداً در دیوان عالی کشور مطرح و شعبه مرجوع الیه، محکومیت قصاص محکوم علیها را بلا اشکال تشخیص و از حیث نتیجه ابرام نموده است که متن دادنامه صادره عیناً به شرح ذیل است:

### \* دادنامه دیوان عالی کشور

خلاصه جریان پرونده:

بدنبال صدور دادنامه شماره ... این شعبه که اجمالاً جریان پرونده در گزارش مربوط به



آن منعکس بوده و مفاد دادنامه صادره نیز بخلاصه مشعر بر نقض دادنامه شماره ... شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم به لحاظ کامل نبودن پرونده و نقص در تحقیقات می باشد، سابقه کار به دادگاه صادر کننده رای منقوض ارجاع و این دادگاه سلسله بررسی های پیرامون موضوع انجام و در جریان آن اقدام به رفع نقائص مورد نظر این مرجع کرده و در نهایت پس از تامین نظر دیوان عالی کشور ختم رسیدگی را اعلام و حکم قضیه را طی دادنامه شماره ... صادر و بموجب آن حکم به قصاص نفس متهمه صادر و چون رای صادره متضمن خلاصه جریان امر و اقدامات بعد از نقض می باشد لذا به جهت پرهیز از تطویل تقریر و اجتناب از تکرار مکررات قسمت هایی از آن که در تکمیل این گزارش موثر به نظر می رسد عیناً و به شرح زیر نقل می گردد: در خصوص اتهام خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر متولد ۱۳۶۰ تبعه افغانستان ساکن ایران - قم دائر به ارتکاب یک فقره قتل عمدی مرحوم مهدی (م) فرزند شیرعلی متولد ۱۳۷۹ با توجه به محتویات پرونده، شکایت اولیاء دم بنامان شیرعلی (م) فرزند احمدحسین و خانم حمیده (الف) فرزند ناظر (والدین مقتول)، گزارش مرجع انتظامی، گواهی پزشکی قانونی، شرح معاینه و کالبد گشائی جسد، تحقیقات بعمل آمده منجر به صدور کیفرخواست از سوی دادسرای عمومی شهرستان قم، نحوه اظهارات و اقراریه متهمه در مرجع انتظامی، دادرسی و دادگاه مویداً به سایر امارات و قرائن موجود در پرونده از جمله تحقیقات جدید صورت گرفته (پس از نقض دادنامه اولی) از طرفین و همسر و دختر متهمه که همگی حاکی از آن است مقتول و دختر متهمه با هم رابطه داشته اند و در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ شب هنگام، پس از رد و بدل شدن پیامک های متعدد، مقتول به درب خانه متهمه رفته و دختر متهمه وقتی مطمئن می شود مادرش در حمام است مقتول را به اتاق خود در اتاق روی پارکینگ می برد و همانطوریکه دختر متهمه بیان داشته بعد از حدود یک و نیم ساعت مادرش از حمام خارج شده و به اتاق وی می آید که با حضور مقتول در اتاق دخترش مواجه می شود البته متهمه مدعی است وقتی پائین آمدم از سوراخ در نگاه کردم برق خاموش بود ولی از پنجره کوچی نور در اتاق بود دیدم دو نفر با هم گلاویز هستند شناختم، دخترم و مقتول بودند مقتول لُخت بود رفتم سر کمد حوله بردارم که دیدم مقتول داخل کمد مخفی شده است برگشتم از پشت در



پیراهن شوهرم را برداشتم و جلوی خودم گرفتم مقتول آمد بیرون و لباسهایش را پوشید گفتم چرا دوباره آمدی؟! گفت دیگر نمی‌آیم دست دخترم را می‌کشید که از روی چرخ خیاطی، پیچ گوشتی را برداشتم و خواستم به دستش بزنم که دخترم را رها کند ولی به پهلویش خورد چون در اتاق بسته شده بود از پنجره خودش را پائین انداخت و رفت دم پائی‌هایش جا مانده بود ولی به نظر دادگاه هدف دست مقتول نبوده چون حسب ادعای متهمه، مقتول با دست راست، دست دخترش را گرفته بوده، پس اگر هدف دست مقتول بود باید به دست راست وی ضربه می‌زد نه پهلوی چپ مقتول و از طرفی پیچ گوشتی نوک تیز حدوداً ۳۰ سانتی متر اگر به جای حساس بخورد کشنده است و اصل بر آگاهی است و عدم آگاهی را می‌باید متهمه اثبات کند که نکرده و مکرر و در پاسخ سوال دادگاه که آیا آگاه بودی که اگر با چنین آلتی ضربه کشنده این چینی وارد کنی منجر به مرگ می‌شود، اظهار میداشت من قصد کشتن نداشتم می‌خواستم به دستش بزنم که دستش را برد بالا و به پهلویش اصابت کرد که این ادعا مورد پذیرش دادگاه واقع نشد چرا که عدم قصد ارتکاب جنایت در اینگونه موارد کاربرد ندارد و از طرفی حسب نظریه پزشکی قانونی که علت فوت را صدمات متعدد بدنی (صدمات قفسه سینه، پارگی بطن‌های قلب، آبشامه و ...) و عوارض ناشی از آن بر اثر اصابت جسم نوک تیز اعلام نموده و اینکه دختر متهمه نیز به شرح برگ‌های ۳۲ و ۳۳ پرونده اصلاً بحث کشیدن دستش را مطرح نکرده و خود متهمه نیز نزد بازپرس اقرار کرده متهم در حال فرار از پنجره بوده که به او با پیچ گوشتی ضربه زده و همچنین اقرار کرده یک ضربه از پهلویش زدم و موقع افتادن از پنجره هم یک ضربه ساق پایش با همان پیچ گوشتی زدم که در گواهی پزشکی قانونی نیز خراشیدگی سطح داخلی و خارجی ساق چپ مشهود اعلام شده، ادعای متهمه مبنی بر عدم قصد کشتن مخدوش می‌شود و لذا بزه انتسابی علماً و اقراراً محرز و مسلم تشخیص داده شد، دادگاه به استناد بند ب ماده ۲۹۰ و صدور تبصره یک ذیل آن و نیز مواد ۳۰۱، ۳۵۱، ۳۸۱، ۴۱۷، ۴۱۸ و ۴۳۶ قانون مجازات اسلامی ... متهمه موصوفه را به یکبار قصاص نفس ... محکوم می‌نماید ... الخ با صدور دادنامه مرقوم و ابلاغ رونوشت به طرفین، محکوم علیها با وکالت آقایان ... و ... در فرصت قانونی اعتراضاتی نسبت به رای صادره عنوان و رسیدگی



در مقام فرجام را درخواست کرده‌اند که با وصول پرونده به دبیرخانه دیوان عالی کشور و با توجه به سبق ارجاع رسیدگی به مورد به این شعبه محول گردیده است. مشروح لوایح وکلای محترم فرجام خواه که عمدتاً مدلول ماهیتی دارد به هنگام طرح موضوع و صدور رای قرائت خواهد شد.

هیات شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ... عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای دکتر ... دادیار دادرسی دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر با عنایت به مجموع اوراق و محتوای پرونده، امعان نظر و بررسی لایحه فرجام خواه نظر به اینکه اولاً در فرایندهای انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی رعایت ترتیبات و تشریفات قانونی انجام و لحاظ و در اجرای موارد اعلامی دیوان محترم عالی کشور و تکمیل نواقص تحقیقاتی اقدام شده است ثانیاً فرجام خواه دلائل، مدارک و مستندات که در انطباق با یکی از شقوق مذکور در ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری باشد ارائه ننموده و در بررسی‌های این مرجع و در امعان نظر در استدلال متقن و مذکور در دادنامه اخیر فرجام خواسته، دلائل و مدارک و مستندات که مبین استنباط و انطباق درخواست فرجامی با یکی از شقوق معنونه مذکور در ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری باشد را ملاحظه و استنباط ننموده لهذا بنا به مراتب مذکور و به تجویز حاصله و مستنداً به بند الف ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری اعتقاد به رد فرجام خواهی فرجام خواه و نتیجتاً تایید و ابرام دادنامه بدوی فرجام خواسته را دارم و به این شرح اظهار عقیده می‌گردد، در خصوص دادنامه شماره ... - ۱۳۹۹/۷/۳۰ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رای می‌دهد:

## ”رای شعبه“

درباره درخواست فرجام خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر با وکالت آقایان ... و ... تبعه کشور افغانستان نسبت به دادنامه شماره ... - ۱۳۹۹/۷/۳۰ شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم که بموجب آن مشارالیه را از حیث ارتکاب قتل عمدی جوان ۲۰ ساله‌ای به نام مهدی (م) فرزند شیرعلی با آلت قتاله از نوع پیچ گوشستی به استناد مواد ۲۹۰ (صدر تبصره یک ذیل آن)، ۳۰۱، ۳۵۱، ۳۸۱ و ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به



فصل نامه علمی - تخصصی / سال سوم، شماره ۷ / پاییز ۱۴۰۳

قصاص نفس محکوم گردیده است، با عنایت به اوراق پرونده و تحقیقات انجام شده پس از نقض (دادنامه شماره ...-۱۳۹۹/۴/۳۰ دادگاه مزبور که طی دادنامه شماره ...-۱۳۹۹/۷/۲۷ صادره از این مرجع (شعبه ... دیوان عالی کشور) مسبوق به نقض بوده)، نظر به اینکه عمده مطالب مطروحه در لایحه فرجامی و کلای محترم فرجام خواه در ماهیت امر بیان شده که در این مرحله از رسیدگی موقعیت بررسی نداشته از سوئی با توجه به مجموع اظهارات و مدافعات متهمه و مقدمات منتهی به درگیری منجر به قتل آن مرحوم و احراز عمدی بودن عمل ارتكابی و نظریات پزشکی قانونی بر وقوع مرگ متوفی در نتیجه ی ورود آلت قتاله به اعضاء و جوارح مقتول و بالاخره با عنایت به دلائل اثباتی احصائی در دادنامه فرجام خواسته چون از حیث طرز رسیدگی و رعایت تشریفات دادرسی و تشخیص مورد با قانون و تعیین کیفر ایرادی بر حکم مرقوم مترتب نگردیده است مستنداً به بند الف از ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری آن را بلاشکال تشخیص و از حیث نتیجه ابرام می‌نماید. رای صادره قطعی و پس از انجام مقررات مذکور در مادتين ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون مجازات اسلامی از قابلیت اجراء برخوردار خواهد بود.

\*\*\*

متعاقب قطعیت رای اصداری، پرونده به شعبه ... اجرای احکام کیفری ارجاع و پس از اعلام محکومیت محکوم علیها به زندان، با توجه به حضور اولیاء دم بدون احضار قبلی در شعبه اجرای احکام، تقاضای قصاص اخذ و فرم استیذان تنظیم می‌گردد و پرونده به حوزه ریاست دادگستری قم جهت اخذ استیذان ارسال شده که پس از صدور اذن قصاص و وصول پرونده به شعبه، مجدداً اظهارات اولیاء دم برای تقاضای قصاص اخذ می‌گردد. در این مجال خانم نرگس (ر) (فرزند محکوم علیها) طی سند اقرارنامه شماره ... اعلام می‌نماید که "می‌خواهم حقیقت را بگویم و حقیقت این است که من با پیچ گوشتی به پهلوی مقتول ضربه زدم و مادرم بی‌گناه است".

متعاقب اقرار دختر محکوم علیها و پس از اعلام وی (محکوم علیها) از زندان مبنی بر اینکه "من قاتل نیستم و تقاضای اعاده دادرسی دارم"، موضوع در دیوان عالی کشور مطرح گردید و با توجه به مراتب فوق، دادنامه شماره ... از شعبه ... دیوان عالی کشور صادر گردید



مبنی بر آنکه "در خصوص اعاده دادرسی خانم نیکبخت (م) از دادنامه شعبه ... دادگاه کیفری یک، محکوم علیها به استناد اقرارنامه دخترش نرگس (ر) به ارتکاب فعل مادی بزه قتل، با توجه به عدم اثبات ادعای مقرر در مراجع قضائی صالح از بند پ ماده ۴۷۴ خارج تشخیص و قرار رد درخواست صادر می گردد."

پس از طی مراتب فوق الذکر، محکوم علیها مجدداً سه سند محضری ارائه نموده، مبنی بر اینکه آقای محمود (ر) (شوهر محکوم علیها) اقرار نموده که بنده با پیچ گوشتی به مقتول ضربه زدم و خانم نیکبخت (م) بیگناه است و دختران محکوم علیها (پروانه و نرگس) نیز طی سند محضری، این موضوع را گواهی نموده و بر آن شهادت داده اند. علیهذا دادستان محترم عمومی و انقلاب مرکز استان قم مستنداً به بند "پ" از ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری و در راستای بند "ج" ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب را به حضور ریاست محترم دیوان عالی کشور ابلاغ نمود.

متعاقب درخواست اعاده دادرسی، شعبه مرجع الیه به شرح ذیل مبادرت به تهیه گزارش و اصدار رای نموده است:

## \* دادنامه دیوان عالی کشور

خلاصه جریان پرونده:

به حکایت محتویات پرونده خانم نیکبخت (م) به اتهام مباشرت در قتل عمدی مرحوم مهدی (م) بوسیله پیچ گوشتی طی دادنامه شماره ... مورخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ صادره از شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم به مجازات قصاص نفس محکوم گردیده است. این رای به موجب دادنامه شماره ... مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۳ صادره از شعبه ... دیوان عالی کشور ابرام شده است اجمال قضیه این است که: مقتول با دختر متهمه ارتباط داشته در یکی از شبها که متهمه در منزل خود در حمام بوده مقتول وارد منزل شده و در اطاق خواب دختر محکوم علیها با وی ارتباط برقرار کرده و هنگامی که او از حمام بیرون آمده متوجه این قضیه شده است مقتول در کمد پنهان شده اما پس از باز شدن درب بیرون آمده و خانم نیک با اعتراض به اینکه چرا آمده ای پیچ گوشتی را برداشته و ضربه ای به پهلوی مقتول



زده است و او فرار نموده و بعداً فوت کرده است پس از قطعیت رای آقای شیرعلی (م) بوکالت از محکوم علیه درخواست اعاده دادرسی تقدیم کرده و اهم مطالبی که در توجیه تقاضای خود مرقوم داشته این است که:

همانگونه که اثر انگشت اینجانب روی آلت قتاله مشاهده نشده با صحنه سازی غلط و مهمتر از همه اقرار همسرم به قتل مقتول که ایشان در هنگام وقوع قتل در منزل حضور داشت و با مقتول درگیر شد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و بعد از فرار مقتول شوهرم اینجانبه را نزد مشاور حقوقی برده و اغفال کرد و چون زن هستم و بچه شیرخوار دارم و من را قصاص نمی‌کنند و گفت چون من اگر زندان بروم چون نان آور هستم زندگی متلاشی می‌شود و دولت مدارک پناهندگی ما را باطل خواهد کرد قتل را گردن من گذاشت و سه سال است در زندان هستم و دخترم شهادت نامه نوشته که پدرش درگیر شده و شوهرم نیز اقرار نموده است.

پرونده جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است. هیات شعبه پس از ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده و چنین رای می‌دهد:

#### رای شعبه

محتویات پرونده حاکی است مقتول مدتها قبل از حادثه با نرگس (ر) (دختر متهمه) ارتباط داشته است این دختر در تاریخ وقوع قتل هفده سال سن داشته است و در بازجویی گفته است حدود شش سال قبل در راه مدرسه با وی آشنا شدم در این مدت چندین مرتبه به منزل برادر بزرگش به شهر قائم می‌رفتم و در آنجا کسی منزل نبود من را لخت می‌کرد و به صورت لاپائی کار خود را انجام می‌داد من راضی نبودم و به زور این کار را انجام می‌داد چند بار به منزل خودش برد که مادرش آمد و من پنهان شدم شب همانجا بودم و صبح به همراه مهدی با اتوبوس به تهران آمدم ... (برگ ۸۱) وی در اظهارات خود گفته است متوفی در آن شب به منزل ما آمد و از طریق پیام تلگرام گفت می‌خواهم شما را ببینم ابتدا قبول نکردم اما بعد گفتم درب پارکینگ را باز می‌کنم بیا ساعت حدود ۲ آمد گفتم داخل پارکینگ باهم صحبت می‌کنیم اما دستم را گرفت که برویم داخل رفتیم داخل اطاق خودم حدود نیم ساعت پیش هم بودیم رفتیم بالا دیدم مادرم حمام



رفته برگشتم داخل اطاق پس از یک دقیقه مادرم درب زد مهدی رفت داخل کمد درب را بست مادرم داخل اطاق شد گوشی مهدی را دید ناراحت شد و گفت این گوشی مال کیست درب کمد را باز کرد متوجه حضور مهدی شد چون روسری نداشت برگشت عقب درب اطاق را بست و پیچ گوشتی که کنار چرخ خیاطی بود برداشت مهدی کنار پنجره بود می خواست خودش را پایین بیندازد مادرم وی را کشید سمت خودش با پیچ گوشتی ضربه‌ای به پهلو وی زد و مهدی می خواست از پنجره پایین بیاید یکی هم به پای وی کوبید مهدی خود را از پنجره که حدود دومتر بود پایین انداخت و متواری شد مادرم چند سیلی هم به من زد و قضیه را به پدرم گفت (برگ ۳۳) از خانم نیک بخت (م) (مستدعی اعاده دادرسی) نیز تحقیق شده گفته قبول دارم با پیچ گوشتی زدم حدود شش است مزاحم دخترم است ساعت حدود دوازده شب وارد خانه ما شده بود و در طبقه روی پارکینگ با دخترم بود من حمام رفته بودم سرلخت بودم رفتم سر کمد چیزی بردارم سرم را خشک کنم دیدم داخل کمد است دنبال چیزی بودم روی سرم بگذارم چیزی روی سرم گذاشتم به او گفتم چرا آمدی اذیت می کنی گریه می کردم می گفت دیگر نمی آیم گفتم صدار گفتی ولی باز می آیی یک پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی برداشتم و یک ضربه به پهلویش زدم خود را از پنجره پایین پرت کرد موقع افتادن یک ضربه به ساق پایش زدم از بالا نگاه می کردم دیدم بلند شد و رفت بعد از دو سه روز به من گفتند پسره تزریق کرده مرده است (برگ ۴۰) صورت جلسه معاینه جسد حاکی است علت مرگ متوفی صدمات متعدد بدنی (قفسه سینه، پارگی بطن‌های قلب، آبشامه و غیره) بوده است. شعبه ... دادگاه کیفری یک در دادنامه اولیه اعلام داشته نوع قتل مشخص نیست (عمدی یا شبه عمد) مع الوصف حکم به پرداخت دیه داده است اما شعبه ... دیوان عالی کشور آن را قتل از نوع عمدی دانسته و با نقض رای پرونده را برگشت داده است که منتهی به قصاص مشتکی عنها خانم نیکبخت (م) شده است و شعبه ... دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره...-۱۳/۲/۱۴۰۰ دادنامه فرجام خواسته را ابرام نموده و با توجه به مراتب فوق الذکر و صرف نظر از اینکه شیوه عمل متهمه مبهم است زیرا وی مدعی است از پیچ گوشتی استفاده کرده اما صدماتی که علت مرگ اعلام شده نمی تواند کار وی باشد و احتمالاً پدر



دختر که در منزل بوده در ایراد ضرب دخالت داشته اما با توجه به اینکه خانم نیکبخت جنایت را برعهده گرفته تحقیق به سوی دیگری سوق داده نشده است مع الوصف آنچه از محتویات پرونده استفاده می شود مقتول دختر غیر رشیده ای را بدون اطلاع والدین در زمان طفولیت اغفال کرده و سال‌ها با وی ارتباط برقرار نموده است و حتی بعدا ادعای خواستگاری مطرح گردیده است این عمل مقتول خانواده را به تنگ آورده تا اینکه حضور شبانه شخص مزاحم در منزل آنان اتفاق افتاده است و غیر قابل تحمل گردیده محکوم علیها از روی عصبانیت و با حالت گریه به فرد یاد شده می گفته از دخترم چه می خواهد و با پیچ گوشستی ضربه‌ای به وی زده است اولاً در اینکه آیا نوع ضربه نوعا کشنده است تردید جدی وجود دارد. ثانيا قصد قتل عمدی در پرونده به هیچ وجه احراز نمی گردد. ثالثا علم و اطلاع مشارالیه‌ها از اینکه آلت بکار گرفته سبب مرگ خواهد شد ثابت نیست. از این رو تشخیص اولیه دادگاه بر اینکه عمدی بودن قتل را محل تردید دانسته درست است بخصوص اینکه محکوم علیها در مقام دفاع از عرض و ناموس بوده است اما از حد متعارف تجاوز نموده با این وصف مجازات مقرر شده برای مستدعی اعاده دادرسی (از نوع قصاص) بیش از حد استحقاقی وی می باشد لذا با انطباق موضوع با بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن تجویز اعاده دادرسی پرونده به شعبه دیگر دادگاه کیفری یک استان قم ارجاع می گردد.

\*\*\*

همچنان که معروض گردید، اعاده دادرسی مطروحه که مبتنی بر اقرار همسر محکوم علیها به قتل و در راستای بررسی بند "ج" از ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح گردیده که مقرر می دارد "پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد"، لیکن شعبه محترم مرجوع الیه خارج از جهت مورد درخواست اعاده دادرسی و با انطباق موضوع با بند "چ" از ماده ۴۷۴ که بیان می دارد: "عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد"، ضمن تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به



شعبه هم عرض ارجاع می نماید.

التهایه شعبه هم عرض مرجوع الیه، طی دادنامه اصداری به شرح ذیل الذکر، حکم به برائت متهمه از اتهام قتل عمدی صادر می نماید:

## \* دادنامه دادگاه کیفری یک استان پس از تجویز اعاده دادرسی:

” رأی دادگاه“

در خصوص اتهام خانم نیکبخت (م) فرزند ناظر متولد ۱۳۶۰ تبعه افغانستان متأهل فاقد سابقه کیفری با وکالت آقای ... مبنی بر ایراد ضرب و جرح با پیچ گوشتی منجر به قتل غیر عمدی مرحوم آقای مهدی (م) فرزند شیرعلی متولد ۱۳۷۹ تبعه افغانستان موضوع شکایت اولیاء دم مقتول به اسامی ۱- آقای شیرعلی (م) ۲- خانم حمیده (الف) با وکالت آقای رحمت اله نصیرپور حسب محتویات و اوراق پرونده مطابق گزارش مورخ ۲۵/۲/۱۳۹۸ مأمورین انتظامی کلانتری قم، یکی از عوامل شهرداری طی تماس با پلیس ۱۱۰ از کشف جسدی که از اتباع افغانستان می باشد مشاهده کرده که مراتب به عوامل اورژانس اطلاع داده شده پس از حضور فوت وی را تأیید نمودند و بیان داشته اند از فوت متوفی حدود ۳ الی ۴ ساعت گذشته است که پس از هماهنگی با قاضی محترم کشیک ویژه قتل دادسرای قم جسد به سردخانه بهشت معصومه قم منتقل می گردد و دستورات مقتضی جهت شناسایی اولیاء دم و بررسی دوربین مداربسته نصب شده در محل کشف جسد و هویت مقتول صادر می گردد که پس از تحقیقات پلیس آگاهی قم هویت مقتول (محمد مهدی) شناسایی گردیده اولیاء دم وی نیز پس از حضور در مرجع انتظامی و دادسرای قم بابت قتل فرزندشان اعلام شکایت می نمایند که پس از بررسی دوربین مداربسته در محل و بررسی تلفن همراه مقتول مشخص می شود مقتول در شب واقعه با خانم نرگس (ر) فرزند محمود در تماس بوده و رابطه داشته و آن شب به منزل وی رفته و پس از درگیری از پنجره اتاق منزل نامبرده از ارتفاع حدود ۴ متری به داخل کوچه پریده است و پس از طی مسافتی فوت می نماید که پس از تحقیقات از خانم نرگس (ر) اظهار می دارد، حدود شش سال بود با او ارتباط داشته و با مزاحمت و تهدید با وی رابطه برقرار می کرده و آن شب جهت رابطه به منزلش آمده که مادرش در اثر سر و صدا به اتاق پائین آمده و با مقتول



درگیر می‌شود و متهمه خانم نیکبخت (م) (مادر نرگس ر) در دفاع اظهار می‌نماید شب قتل از طبقه بالا سر و صدا شنیدیم به اتاق پائین آمدم دیدم دخترم نیمه لخت است و مقتول (مهدی م) داخل کمد بصورت عریان مخفی شده است از کمد خارج شد لباسش را پوشید و دست دخترم را گرفت و کشید تا با خود ببرد من مانع شدم و پیچ گوشتی را از روی چرخ خیاطی برداشتم تا به دست مقتول بزنم به پهلوی او اصابت کرد بعد قصد داشت درب را باز کند تا فرار نماید درب بسته شد و از داخل دستگیره نداشت رفت بطرف پنجره و از پنجره به داخل کوچه پرید و فرار کرد من قصد قتل نداشتم حدود شش سال بود مقتول برای دخترم مزاحمت داشت و تهدید می‌کرد دخترم خواستگار داشت و او مانع ازدواج دخترم می‌شد و نظریه پزشکی قانونی نیز طی گزارش معاینه جسد به شماره ... مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ بلحاظ لوب تحتانی ریه چپ در ادامه مسیر بریدگی پهلوی چپ که وارد فضای جنب شده بود درگیر و سوراخ شده و ادامه سوراخ شدگی از آبشامه گذشته و بطن‌های چپ و راست قلب را درگیر و سوراخ کرده بود و خون زیادی از قلب وارد آبشامه و از آنجا هم وارد فضای جنب چپ شده بود حسب شرح فوق علت فوت در صدمات متعدد بدنی (صدمات قفسه سینه، پارگی بطن‌های قلب، آبشامه و ...) و عوارض ناشی از آن بر اثر اصابت جسم نوک تیز، تعیین و جواز دفن به نام متوفی صادر و جسد تحویل بستگان گردیده است (صفحه ۸۶) که پس از تکمیل تحقیقات توسط بازپرسی و صدور کیفرخواست علیه متهم مذکور (خانم نیکبخت م) بابت اتهام قتل عمدی ناشی از ایراد ضرب عمدی با پیچ گوشتی منتهی به قتل مرحوم مهدی (م)، شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم پس از رسیدگی و طی دادنامه شماره ... - ۱۳۹۹/۴/۳۰ با توجه به دفاعیات متهمه مبنی بر اینکه قصد قتل نداشتم مقتول دست دخترم را می‌کشید که در اطاق بسته بود یک پیچ گوشتی روی چرخ بود برداشتم و می‌خواستم به دستش بزنم که پیچ گوشتی به پهلویش خورد لذا دادگاه مذکور اصل جنایت را ثابت دانسته ولی نوع آن ثابت نبوده موضوع را منطبق با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی دانسته و ضمن منتفی دانستن قصاص متهمه موصوف را بابت ارتکاب یک فقره قتل مرحوم مهدی (م) ظرف دو سال قمری از تاریخ وقوع قتل (۱۳۹۸/۲/۲۵) مصادف با رمضان المبارک ۱۴۴۰ قمری) به پرداخت یک فقره



دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول و بابت جنبه عمومی بزه چون قصاص منتفی شده و اقدام وی موجب اخلال در نظم و به جهت صیانت از امنیت جامعه و بیم تجری مرتکب یا دیگران نامبرده را به تحمل سه سال حبس و از باب تکمیل مجازات نیز به مدت دو سال از منع اقامت در ایران محکوم می‌گردد (ص ۲۲۳) که پس از فرجام خواهی اولیاء دم مقتول شعبه ... دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ...-۱۳۹۹/۷/۲۷ با استدلال اینکه اولاً دادگاه کیفری یک اقدام خاصی در خصوص نوع قتل بعمل نیاورده است لذا از این حیث پرونده کامل بنظر نمی‌رسد ثانیاً: چون عنوان اتهام متهمه که در کیفرخواست ذکر گردیده نوعاً قتل عمدی موضوع ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد لذا دادگاه ملزم بوده حداقل عنوان اتهام جدید را به متهم تفهیم می‌نمود که از این لحاظ نیز ایراد شکلی بر دادنامه فرجام خواسته مترتب است مستنداً به بند ۲ شق ب ماده ۴۹۶ قانون آئین دادرسی کیفری دادنامه فرجام خواسته بلحاظ نقص تحقیقاتی کلاً نقض و جهت رسیدگی مجدد به شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم محول می‌گردد تا پس از رفع اشکالات یاد شده و نیز انجام هرگونه تحقیق یا اقدام دیگری که برای کشف حقیقت لازم باشد و با توجه به نتایج مستحصله دوباره انشاء رأی نماید (ص ۲۷۹) و شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم مجدداً رسیدگی و طی دادنامه شماره ...-۱۳۹۹/۹/۳۰ با استدلال اینکه متهمه در دفاعیات اظهار داشته دخترم و مقتول داخل اتاق منزل بودند متهم را شناختم گفتم چرا به منزل من آمدی گفت دیگر نمی‌آیم مقتول لخت بود و دخترم نیمه عریان بود و شلوار پایش بود مقتول دست دخترم را می‌کشید که روی چرخ خیاطی، پیچ گوشتی را برداشتم و خواستم به دستش بزنم به پهلویش خورد چون در اتاق بسته بود از پنجره خودش را پائین انداخت و رفت و در ادامه استدلال دادگاه بلحاظ اینکه مقتول دست راست دخترش گرفته بود و متهمه باید به دست راست مقتول ضربه بزند ولیکن به پهلوی چپش ضربه زده است و از طرفی پیچ گوشتی نوک تیز حدوداً سی سانتی متری اگر به جای حساس اصابت کند کشنده است و اصل بر آگاهی است و عدم آگاهی را می‌بایست متهمه اثبات کند که نکرد و مکرر در پاسخ سؤال شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم که آیا آگاه بودی که اگر چنین آلتی (پیچ گوشتی نوک تیز سی سانتی) ضربه



کشنده این چنین وارد کنی منجر به مرگ می‌شود، اظهار داشت من قصد کشتن نداشتم و می‌خواستم به دستش بزنم که دستش را بالا برد و به پهلویش خورد که این ادعا مورد پذیرش دادگاه واقع نشده و لذا دادگاه ادعای متهمه مبنی بر عدم قصد کشتن را مخدوش دانسته و بزه انتسابی را علماً و اقراراً محرز و مسلم تشخیص داده و متهمه موصوف را به یکبار قصاص نفس (ازهاق روح) به وسیله چوبه دار محکوم می‌نماید و حکم قصاص پس از قطعیت و استیذان از مقام معظم رهبری مدظله العالی یا نماینده ایشان به موقع اجرا گذاشته شود ص ۳۱۹ که پس از فرجام خواهی محکوم علیها و وکلاء ایشان شعبه ... دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ...-۱۳/۲/۱۴۰۰ رأی صادره شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم را تأیید و ابرام می‌نماید ص ۲۸۱ و با توجه به قطعیت دادنامه و پس از استیذان اجرای احکام کیفری دادرسی قم با قصاص نفس محکوم علیها موافقت می‌گردد ص ۴۰۶ و زمان قصاص نیز توسط اجرای احکام تعیین می‌گردد که بلحاظ اعاده دادرسی و ارسال پرونده توسط دادستان محترم دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان قم به دیوان عالی کشور، شعبه ... دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ...-۱۴/۹/۱۴۰۱ با استدلال اینکه مقتول مدت‌ها قبل از حادثه با نرگس (ر) (دختر متهمه) ارتباط داشته است این دختر در تاریخ وقوع قتل هفده سال سن داشته است و در بازجویی گفته است حدود شش سال قبل از راه مدرسه با وی آشنا شدم و در این مدت چندین مرتبه به منزل برادر بزرگش به شهر قائم می‌رفتم و در آنجا کسی نبود من را لخت می‌کرد و به صورت لاپایی کار خود را انجام می‌داد من راضی نبودم و به زور این کار را انجام می‌داد چندین بار به منزل خودش برد که مادرش آمد و من پنهان شدم شب همانجا بودم و صبح به همراه مهدی با اتوبوس به تهران آمدم (برگ ۸۱) وی در اظهارات دیگر خود گفته است متوفی در آن شب به منزل ما آمد و از طریق پیام و تلگرام گفت من می‌خواهم شما را ببینم ابتدا قبول نکردم اما بعد گفتم درب پارکینگ را باز می‌کنم بیا ساعت حدود ۲ آمد گفتم داخل پارکینگ با هم صحبت می‌کنیم اما دستم را گرفت که برویم داخل رفتیم داخل اطاق خودم، حدود نیم ساعت پیش هم بودیم رفته بالا دیدم مادرم حمام رفته برگشتم داخل اطاق پس از یک دقیقه مادرم درب زد مهدی رفت داخل کمد درب را بست مادرم داخل



اطاق شد گوشی مهدی را دید ناراحت شد و گفت این گوشی مال کیست درب کمد را باز کرد متوجه حضور مهدی شد چون روسری نداشت برگشت عقب درب اطاق را بست و پیچ گوشتی که کنار چرخ خیاطی بود برداشت مهدی کنار پنجره بود می خواست خودش را پایین بیندازد مادرم وی را کشید سمت خودش و با پیچ گوشتی ضربه ای به پهلو وی زد و مهدی می خواست از پنجره پایین بیاید یکی هم به پای وی کوبید مهدی خودش را از پنجره که حدود دو متری بود پایین انداخت و متواری شد و مادرم چند سیلی هم به من زد و قضیه را به پدرم گفت (برگ ۳۳) از خانم نیک (م) (مستدعی اعاده دادرسی) نیز تحقیق شده گفته قبول دارم با پیچ گوشتی زدم حدود شش سال است مزاحم دخترم است ساعت حدود دوازده شب وارد خانه ما شده بود و در طبقه روی پارکینگ با دخترم بود من حمام رفته بودم سر لخت بودم رفتم سر کمد چیزی بردارم سرم را خشک کنم دیدم داخل کمد است به او گفتم چرا آمدی اذیت می کنی گریه می کردم می گفت دیگر نمی آیم گفتم صد بار گفتی ولی باز می آیی یک پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی برداشتم و یک ضربه به پهلویش زدم خودش را از پنجره پرت کرد موقع افتادن یک ضربه به ساق پایش زدم از بالا نگاه کردم دیدم بلند شد و رفت و صرف نظر از اینکه شیوه عمل متهمه مبهم است زیرا وی مدعی است از پیچ گوشتی استفاده کرده اما صدماتی که علت مرگ اعلام شده نمی تواند کار وی باشد و احتمالاً پدر دختر که در منزل بوده در ایراد ضرب و جرح دخالت داشته اما با توجه به اینکه خانم نیک جنایت را به عهده گرفته تحقیق به سوی دیگر سوق داده نشده است مع الوصف آنچه از محتویات پرونده استفاده می شود مقتول دختر غیر رشیده ای را بدون اطلاع والدین در زمان طفولیت اغفال کرده و سال ها با وی ارتباط برقرار نموده است و حتی بعداً ادعای خواستگاری مطرح گردیده است این عمل مقتول خانواده را به تنگ آورده تا اینکه حضور شبانه شخص مزاحم در منزل آنان اتفاق افتاده است و غیر تحمل گردیده و محکوم علیها از روی عصبانیت و با حالت گریه به فرد یاد شده می گفته از دخترم چه می خواهد و با پیچ گوشتی ضربه ای به وی زده است اولاً در اینکه آیا نوع ضربه نوعاً کشنده است تردید جدی وجود دارد ثانیاً قصد قتل عمدی در پرونده به هیچ وجه احراز نمی گردد ثالثاً علم و اطلاع



مشارالیهها از اینکه آلت بکار گرفته سبب مرگ خواهد شد ثابت نیست از این رو تشخیص اولیه دادگاه بر اینکه عمدی بودن قتل را محل تردید دانسته درست است بخصوص اینکه محکوم علیها در مقام دفاع از عرض و ناموس بوده است اما از حد متعارف تجاوز نموده با این وصف مجازات مقرر شده برای مستدعی اعاده دادرسی (از نوع قصاص) بیش از حد استحقاق وی می باشد لذا با انطباق موضوع با بند چ ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن تجویز دادرسی پرونده به شعبه دیگر دادگاه کیفری یک استان قم ارجاع می گردد ص ۴۴۶ و پس از ارجاع به این شعبه در مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۴ پزشکی قانونی استان قم در پاسخ استعلام این دادگاه در خصوص جراحات منجر به فوت مقتول و آلت قتاله و نوعاً کشنده بودن ضربات با آن نامه شماره...-۱۴/۱۰/۱۴۰۱ اعلام می دارد در خصوص متوفی مهدی (م) فرزند شیرعلی تعیین نوعاً کشنده بودن ضربه جنبه حقوقی داشته و منوط به رأی مقام قضایی با توجه به نظر عرف در خصوص نوع رفتار ضارب و محل ورود ضربه و ... می باشد و اظهار نظر در این خصوص از نظر پزشکی مقدور نیست (ص ۴۶۸) و پس از تعیین وقت رسیدگی مورخ ... طرفین و وکلاء آنان حاضر شده و اولیاء دم اظهار داشته اند علیه متهمه بابت قتل عمدی فرزندشان شکایت داشته و تقاضای قصاص می نمایند و کیل شکات با اولیاء دم نیز طی اظهارات شفاهی و لایحه ای اظهار داشت متهمه (نیکبخت م) در مراحل مختلف تحقیقات و دادرسی به قتل مقتول با پیچ گوشتی اقرار کرده و با توجه به استفاده از پیچ گوشتی که آلت قتاله محسوب می شود و ایراد ضرب و جرح به پهلوی مقتول و نقطه حساس بدن و علم و اطلاع وی به کشنده بودن نوع ضربه قتل عمدی می باشد و تقاضای قصاص دارند، قاتل نیکبخت م بوده و دختر و سایر بستگان وی برای فرار قاتل از مجازات اظهارات واهی نموده اند و متهمه (نیکبخت م) نیز در دفاعیات خود در جلسه مورخ ... در این دادگاه مجدداً اظهارات قبلی خود را تکرار کرده و اظهار داشت آنشب من از حمام آمدم بیرون از اطاق پائین سر و صدا را شنیدم رفتم پائین خواستم از کمد لباس بردارم مقتول را داخل کمد دیدم و پس از مشاجره به شرح اظهارات و دفاعیات قبلی از روی چرخ خیاطی پیچ گوشتی برداشتم مقتول دست دخترم را گرفت می کشید و من قصد داشتم با پیچ گوشتی به دست او بزنم نمی دانم چی شد به پهلوی او



اصابت کرد و شخص دیگری به مقتول ضربه نزده همسر م طبقه بالا بود و با مقتول مواجهه و درگیر نشد دخترم نیز به مقتول ضربه ای نزده است بنابراین دادگاه اولاً با توجه به محتویات و اوراق پرونده، شکایت و اظهارات اولیاء دم مقتول و وکیل ایشان، تحقیقات و گزارش مرجع انتظامی و پلیس آگاهی قم، پرینت پیامک‌های تبادل شده بین مقتول و دختر متهمه مضبوط در صفحات ۷۳ - ۵۵ و ۲۵۱ - ۲۴۳ پرونده که حاکی از ارتباط نامشروع به مدت چند سال و اصرار مقتول به ادامه رابطه و برنامه ریزی و تماس و با ارسال پیام در شب واقعه جهت مراجعه به منزل متهمه و تبادل پیام از سوی دختر متهمه جهت ملاقات با مقتول و صحبت کردن در پارکینگ منزل و متعاقب آن حضور مقتول در اطراف دختر متهمه و فرار از پنجره مطابق فیلم دوربین مداربسته موجود و نصب شده در اطراف محل دارد ثانیاً مفهوم مخالف نظریه اولیه پزشکی قانونی مبنی بر اینکه ضربات و صدمات وارده به مقتول می تواند نوعاً کشنده باشد و می تواند نوعاً کشنده نباشد) و نظریه اخیر پزشکی قانونی در پاسخ استعلام انجام شده که بررسی آن جنبه حقوقی و استنباط قضایی با توجه به نظر عرف داشته و از نظر پزشکی مقدور نمی باشد ثالثاً قصد قتل عمدی از رفتار ارتكابی متهمه با توجه به وضعیت و موقعیت محل درگیری احراز نمی گردد یا لاقلاً با تردید و شبهه مواجه می باشد رابعاً: از محتویات پرونده و مجموع بازجوئی ها و تحقیقات از متهمه علم و اطلاع و آگاهی وی از اینکه آلت جارحه (پیچ گوشتی) سبب مرگ خواهد شد احراز نگردیده و یا مورد تردید و شبهه می باشد خامساً: با توجه به نظر عرف مبنی بر اینکه ایراد ضرب با پیچ گوشتی خصوصاً توسط یک زن نسبت به مرد در وضعیت درگیری طرفین علی القاعده سبب مرگ نمی گردد و یا مورد شبهه می باشد سادساً متهمه یا ضارب در مقام دفاع از عرض و ناموس و دختر خود بوده که مقتول در نیمه شب (مطابق پیامک‌های تبادل شده) جهت رابطه نامشروع به منزل متهمه رفته می باشد ولی دفاع و ضربه متهمه از مراتب آن تجاوز نموده است که در استدلال شعبه محترم ... دیوان نیز به رابطه مقتول با دختر متهمه از صغرسن (بمدت حدود شش سال) اشاره شده که در زمان وقوع قتل سن دختر متهمه هفده سال می باشد و مقتول در پیامک‌ها با جملاتی مثل شش سال مرا تحمل کردی چند دقیقه را هم تحمل و آنقدر عقل داری که بفهمی



# اندیشه وکیل

دختریت در دست من زده شده هیچ جایی نمی توانی بروی و اصرار به ادامه رابطه داشته است و آنشب حادثه دختر متهمه درب را برای مقتول باز می کند و داخل اطاق می شود و متهمه دخترش و مقتول را در آن وضعیت مشاهده می نماید بنابراین عمل ارتكابی متهمه منطبق با بند الف ماده ۲۹۱ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ می باشد و از شمول بندهای ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اخیرالذکر خارج است دادگاه با توجه به تجویز اعاده دادرسی از سوی شعبه محترم ... دیوانعالی کشور و پذیرش اعاده دادرسی توسط این شعبه ضمن نقض حکم مورد اعاده دادرسی (دادنامه صادره از شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم در مورد قصاص بابت قتل عمدی) مستنداً به ماده ۴۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ۲۹۱، ۳۰۲، ۴۴۸، ۴۶۲، ۴۷۲، بند ب ماده ۴۸۸ و ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ و با رعایت ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۹۲ بلحاظ شیوه ارتكاب جرم و آثار زیانبار آن بلحاظ منتفی شدن قصاص، متهمه خانم نیکبخت م را از حیث جنبه خصوصی قتل شبه عمدی به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم مقتول ظرف مهلت دو سال قمری از تاریخ وقوع قتل (مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ شمسی مصادف با ۹ رمضان المبارک ۱۴۴۰ قمری) و از باب جنبه عمومی نیز به تحمل سه سال حبس تعزیری (مجازات درجه ۵) با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می نماید و نسبت به اتهام متهمه (نیکبخت م) مبنی بر قتل عمدی مرحوم مهدی (م) با توجه به محتویات پرونده و استدلال صدرالذکر و استدلال شعبه محترم ... دیوان عالی کشور در تجویز اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم نسبت به محکومیت قصاص بابت قتل عمدی و اعلام اینکه مجازات تعیین شده بیش از مجازات استحقاق قانونی می باشد و نقض آن نسبت به محکومیت قصاص بابت قتل عمدی توسط این شعبه و دفاعیات متهمه و تردید و شبهه در وقوع قتل عمدی در نحوه رفتار مرتکب و عدم احراز علم و آگاهی و اطلاع متهمه به کشنده بودن فعل ارتكابی و تردید در قصد مرتکب به قتل مقتول بوسیله ضربه با پیچ گوشتی و اینکه قاعده درء علاوه بر حدود در تعزیرات و قصاص نیز جاری می باشد و برخی از شعب محترم دیوان عالی کشور و عدهای



از فقهاء عظام از جمله شیخ طوسی در کتاب مبسوط و نهاییه و محقق حلی در شرایع، شهید ثانی در مسالک، مجلسی اول در روضه المتقین، سید جواد عاملی در مفتاح الکرامة، میرزای قمی در جامع الشتات و برخی از فقهاء معاصر این قاعده را در قصاص نیز جاری می دانند بنابراین مستنداً به اصل براءت مستنبط از اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و قاعده درء (تُدْرءُ الحدود بالشبهات) و ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ حکم به براءت متهمه از اتهام قتل عمدی صادر و اعلام می نماید. رأی صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می باشد مقرر است دفتر دادنامه ثبت وفق مقررات ابلاغ گردد.

\*\*\*

پس از ابلاغ رای دادگاه، وکیل اولیاء دم با تقدیم لایحه ای به شرح ذیل، مبادرت به اعتراض و فرجام خواهی نسبت به دادنامه صادره نموده است:

باسمه تعالی

ریاست و قضات معظم دیوان عالی کشور

با سلام و احترام

نظر به پرونده کلاسه ... موضوع شکایت اولیای دم، موکلین آقای شیرعلی (م) و خانم حمیده (الف) علیه خانم نیکبخت (م) دایر بر اتهام قتل عمدی مرحوم مهدی (م) (فرزند مشترک اولیای دم) از آنجا که حسب رسیدگی های به عمل آمده در شعبه ... دادگاه محترم کیفری یک استان قم به موجب دادنامه شماره ... مورخ ... رای بر قصاص نفس صادر و متعاقب آن رای مزبور به موجب دادنامه شماره ... مورخ ... از سوی شعبه ... دیوان عالی کشور ابرام و با انجام تشریفات لازم، استیذان نیز صادر گردیده معذالک به حکایت مضبوطات منعکس در پرونده، محکوم علیه با این توجیه و توشیح که شوهرش با مقتول درگیر شده و او را مورد ضرب و شتم قرار داده و وی را نزد مشاور حقوقی برده و اغفال کرده و قتل را گردن وی گذاشته و با توسل به اقرارنامه همسرش و شهادت دخترش



تقاضای تجویز اعاده دادرسی ۴۷۴ ق.آ.د.ک نموده است که شعبه ... دیوان محترم عالی کشور طی شرحی مجمل از حکایت پرونده و با طرح و درج نام اشتباه آقای شیرعلی م (از اولیای دم) در مقام وکیل محکوم علیه در خلاصه جریان پرونده با امعان نظر به ادعای متقاضی اعاده دادرسی و احتمال دخالت پدر دختر در ایراد ضرب، از جهت تقاضای اعاده دادرسی مطروحه، گذار نموده و ضمن ورود به مواردی که قبلاً مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته، عدم احراز قتل عمدی و تردید جدی در نوعا کشنده بودن ضربه و عدم اثبات اینکه علم و اطلاع مشارالیه از اینکه آلت به کار گرفته شده سبب مرگ خواهد شد، را نیز در تبیین تجویز اعاده دادرسی مورد تذکار واقع ساخته و بالنهاییه این تجویز را خارج از مورد تقاضای اعاده، منطبق با بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته و پرونده جهت رسیدگی به شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم ارجاع گردیده است؛ و این شعبه نیز فارغ از جهت تقاضای اعاده دادرسی و با تمسک به آنچه مطمح نظر شعبه ... دیوان عالی کشور بوده، به رغم وجود توشیح و توضیح واضحات و رفع شبهات در جریان امر تحقیق و رسیدگی و اثبات مراتب که منجر به صدور رای و ابرام آن در دیوان گردیده، **با طرح تکراری همان مباحث، با عدول از لزوم رسیدگی چارچوب‌مند در محدوده‌ی جهت تقاضای اعاده دادرسی**، به موجب دادنامه شماره ... بدون آنکه هیچ تحقیق و تحلیلی در جهت تقاضای اعاده دادرسی (حدوث یا ظهور واقعه جدید یا ارایه دلیل جدید) داشته باشد(!)، قتل حادث را منطبق با بند الف ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (شبه عمد) و تبصره ۲ ذیل ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته و متهمه را به یک فقره دیه کامل (ظرف دو سال از وقوع قتل) و سه سال حبس از جهت جنبه عمومی محکوم ساخته؛ و وی را از اتهام قتل عمدی -با این خلاصه‌ی استدلال که: پیچ گوشتی، می‌تواند آلت قتاله نباشد و نیز تشکیک در مراتب آگاهی متهم از کشنده بودن آلت مذکور، و دفاع از عرض و ناموس (دخترش) و...- تبرئه نموده است!

این در حالیست که تاکیدا نسبت به کلیه موارد یاد شده قبلاً تحقیقات و رسیدگی‌های قضایی صورت گرفته و عقیده دیوان محترم عالی کشور بر قتل عمدی ملحوظ و منعکس است! واقعا بدون آنکه هیچ واقعه جدیدی حادث یا دلیل جدیدی ارایه شده باشد، چگونه



و با چه توجیه قانونی می توان قایل به نقض رای قطعیت یافته‌ای شد که با بررسی همه جوانب، اصدار یافته است؟ آنهم با خرق در حصر جهت تقاضای اعاده دادرسی و ورود به مبانی تحکیم یافته‌ای که به حکایت مستندات موجود در پرونده، جای هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای در مورد آن وجود ندارد!

آیا این دادنامه را نباید در تخالف با اصل قوام آرای قضایی دانست؟ مگر نه این است که آرای اینچنین، تزلزل آرای قضایی و عدم تحکیم آن را موجب گردیده و اینچنین، هیمنه و ابهت نظام قضایی کشور را مورد تحدیش واقع می‌سازد؟ با این استدلالات جدید در صدور حکم برائت از قتل عمدی، که در تخالف با آرای سابق الصدور بدوی و دیوان، و در نفی استیذان صادره انجام پذیرفته، چگونه و با چه توجیهی می‌توان بر آنچه به فهم سلیم قضایی صورت گرفته خط بطلان کشید؟

آنچه در پی می‌آید، ضمن مرور پیش گفته‌ها، توجه ویژه‌ای است بر قتاله بودن آلت پیچ گوشتی بنا بر تصریح پزشکی محترم قانونی، آگاهی مسلم متهمه بر امکان وقوع قتل با آلت مزبور بنا بر اقرار صریح وی؛ و انتفای دفاع مشروع بنا بر تحقیقات و مضبوطات منعکس در پرونده! و روایت دفاعیات نمایش گونه‌ی بلاوجه متهمه که هر پرده از آن، در تنافی، تعارض و گاه تناقض با پرده‌ی دیگر بوده است!

(بسم الله الرحمن الرحيم)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْ بِالْحَرْ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (سوره بقره، آیه ۱۷۸-۱۷۹)

قرآن کریم در نهایت فصاحت و بلاغت به خوبی نشان می‌دهد که قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه انتقام جویی ندارد بلکه دریچه‌ای به سوی حیات و زندگی انسان‌هاست (المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه ۴۳۳، محمد حسین طباطبایی ۱۳۶۰-۱۲۸۱)



ظالم اگر به تیغ ستم خون خلق ریخت

از خون بی گناه مگر می توان گذشت؟

(مشفق کاشانی، عارفانه ها، دفتر دوم صفحه ۴۱)

ریاست معظم، قضات شریف دیوان

فارغ از فرافکنی‌های صورت گرفته در این پرونده از سوی محکوم علیه و نزدیکان ایشان، و داستان پردازی‌های محیرالعقول و متناقض که شائبه‌ی ترور فهم سلیم و درک علیم قضات توسط ایشان را به ذهن متبادر می‌سازد و چیزی جز به سخره گرفتن دستگاه قضا با طرح این گفته‌ها و نوشته‌های بی اساس و ساختگی و نخ‌ما در پی ندارد. در این مجال مروری گذرا بر وقایع پرونده به حکایت آنچه عیناً منعکس است، خالی از لطف نیست.

مراتبی که اتخاذ رویه‌های چند سوبه، کاذب، متناقض و متعارض را در دفاعیات نشان می‌دهد.

### \* مروری بر حلقه‌های این نمایش سراسر کذب

#### ۱- پرده اول - اقرار بر اولیه متهم و انعکاس شرح واقعه از زبان دخترش:

متهمه (نیکبخت م) از همان ابتدای تشکیل پرونده فارغ از تلقین‌ها و آموزه‌های غیر اخلاقی، برآیند واقع را در اظهارات خود منعکس ساخته است:

صفحه ۳۹ و ۴۰- قبول دارم با پیچ گوشتی زدم... یک پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی بود برداشتم یک ضربه به پهلویش زدم سمت پنجره خودش را پایین پرت کرد موقع افتادن یک ضربه هم از ساق پایش با همان پیچ گوشتی زدم.

صفحه ۵۱ و ۵۲ - قبول دارم با پیچ گوشتی فقط به پهلویش وی زدم دخترم می‌گوید ضربه‌ای به پای وی زدم اما یادم نیست ...

صفحه ۵۱- نیکبخت (م): می‌خواست از پنجره فرار کند... گفت دیگر مزاحم نمی‌شوم. دمپایی‌هایش را داخل کوچه پرت کرد و خودش را از پنجره بیرون انداخت.

صفحه ۳۲ و ۳۳- نرگس (ر): مهدی کنار پنجره بود می‌خواست خودش را پایین



بیاندازد. مادرم وی را کشید سمت خودش و با پیچ گوشتی ضربه‌ای به پهلو وی زد و مهدی میخواست از پنجره پایین بیاید یکی هم به پای وی کوبید...

## ۲- پرده دوم - فرار از اقرار و اظهارات تحت آموزه‌ها:

متهم در پرده دوم از نمایش دفاعی خود گویا تحت برخی آموزه‌ها که واقعا جای تاسف است به دفاعیات تعدیلی در جهت توجیه اقدام مجرمانه خود دست زده است:

صفحه ۱۳۲ - نیکبخت (م) (توسل به دفاع مشروع): می‌خواست دست دخترم را ول کند... هر کسی باشد از ناموسش دفاع می‌کند.

صفحه ۸۱ نرگس (ر): می‌خواست مرا با زور بیرون ببرد.

## ۳- پرده سوم - دفاع فرافکنانه؟ تزریق مواد مخدر، علت مرگ!

طرح دفاعیات فرافکنانه و البته غیر حرفه‌ای و شتابزده تا آنجا پیش رفته که در مقطعی علت مرگ مقتول تزریق مواد مخدر عنوان شده، حال آنکه مقتول هرگز هیچ گونه موادی مصرف نداشته که مراتب در نظریه پزشکی قانونی (صفحه ۱۰۶) پرونده مورد اشاره واقع شده است که طی آزمایشات سرولوژی و سم شناسی، خون مقتول، عاری از هرگونه مواد سمی بوده است!

## ۴- پرده چهارم - رابطه جنسی به عنف از سوی مقتول:

متهم در راستای برخی آموزه‌ها، در صفحه ۴۸ پرونده سعی داشته چنین وانمود کند که مقتول با دخترش به زور وارد رابطه جنسی شده و حتی نرگس (ر) نیز برای رهایی مادرش به همان آموزه‌ها و دفاعیات غیر اخلاقی متوسل شده است، به طوری که مدعی شده است مقتول تاکنون پنج بار به وی تجاوز کرده است (صفحات ۱۰۸ تا ۱۱۰) این در حالی است که این دفاعیات غیر مرتبط نیز با اقبالی مواجه نگردیده و این دفاع دروغین که گویا برای تشتت و انحراف ذهن قضات معظم ساخته و پرداخته شده بوده نیز برملا میشود چرا که پزشکی قانونی طی معاینات کامل مورخ ۱۳۹۸/۳/۹ به صراحت بر سالم بودن پرده بکارت و نیز عدم وجود هرگونه علائمی دال بر مقاربت از دبر تاکید می‌سازد (صفحه ۱۱۳)

## ۵- پرده پنجم - علت مرگ، ناشی از پریدن از ارتفاع توسط مقتول:

از سوی وکیل محترم متهم پریدن مقتول از ارتفاع و طی مسیر توسط وی در فراز



دیگری از دفاعیات به عنوان علت مرگ تلقی شده که این موضوع نیز توسط دادگاه بدوی از پزشکی قانونی مورد استعلام واقع شده که پزشکی قانونی به شرح نظریه مزبور در صفحه ۱۶۵ پرونده صراحتاً و با اذعان تمام و بدون هیچ‌گونه تردیدی اذعان داشته است: با توجه به نوک تیز بودن و سطح مقطع کوچک سر و طول نسبتاً بلند پیچ گوشتی در صورت فرو کردن آن در بدن شخص با نیروی زیاد و احتمال آسیب عروق بزرگ و احشاء حیاتی در مسیر عبور می‌تواند منجر به مرگ گردد همچنین پزشکی قانونی در ادامه اذعان داشته است:

با توجه به صدمات شدید و کشنده یاد شده در صورت عدم حرکت متوفی نیز مرگ حادث می‌گردد.

#### ۶- پرده ششم - دفاع مشروع:

متهمه پس از بن بست‌های دفاعی متواتر و متعدد ناگزیر تحت آموزه‌های احتمالی با تغییر فاحش در اقرار اولیه و با چرخشی هدفمند در تبیین واقعه، به دفاع مشروع متوسل شده است (صفحات ۳۰۵ تا ۳۰۷) این دفاع در حالی مطرح شده که بنا بر اظهارات مکرر متهمه و دخترش، مقتول قصد فرار داشته تا آنجا که به جهت بسته بودن درب، خود را از پنجره به بیرون پرتاب نموده است.

صفحه ۳۰۱: رفت سمت پنجره گفتم بپر دست و پایش نشکند که از پنجره رفت بیرون.

سوال دادگاه در صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴: آیا رفتار شما برای دفع تجاوز و خطر ضرورت داشته؟

پاسخ متهمه: نمی‌دانم... اون می‌کشید من می‌کشیدم

سوال: از در و پنجره سه متری دخترت را کجا می‌خواست ببرد؟

پاسخ: اون موقع درب بسته نشده بود وقتی مهدی را با پیچ گوشتی زدم عقب عقب رفتیم یا من یا دخترم به درب خوردیم و بسته شد.

با دست راست زدم دست چپ مقتول سمت من بود فکر کنم با دست راست، دخترم را گرفته بود.



سوال: خب شما باید قاعدتاً به دست راستش میزدی که دست دخترت را ول کند نه به دست چپ که به قلبش بخورد؟

پاسخ: ... من فقط قصدم این بود که دست دخترم را ول کند. غیر واقعی بودن این اظهارات در مقایسه با اظهارات صفحه ی ۳۲ و ۳۳ نرگس (ر) جلوه گر می شود:

می خواست خودش را پایین بیاندازد مادرم وی را کشید سمت خودش با پیچ گوشتی ضربه ای به پهلو وی کوبید.

جالب اینکه متهمه مدعی است هنگام ورود به اتاق، مهدی (مقتول) لخت بوده و دخترش دست وی را گرفته و مهدی لباسش را پوشیده است. (صفحه ۳۰۶) طرح شرایط و وضعیت ظاهری مقتول از زبان متهمه در این داستان پردازی مبنی بر اینکه دخترش را گرفته تا از پنجره با فاصله سه متری از سطح زمین فرار کند، این ماجرا را به یک جوک مضحک شبیه تر می سازد. (صفحه ۳۰۹)

دادگاه محترم در صفحه ۳۰۹ علت عدم طرح دفاع مشروع را در اظهارات اولیه مورد سوال واقع ساخته است که از سوی متهمه پاسخ درخوری ارائه نگردیده است.

صفحه ۳۹۲ تا ۳۹۴: مهدی آمده بود داخل اتاق در کمد لباس قایم شده بود با مهدی درگیر شدیم مهدی می خواست به من تجاوز کند...

## ۷- پرده هفتم - تقاضای عفو و گذشت از قصاص:

در اثنای قطعیت حکم به قصاص از سوی دیوان عالی کشور و متعاقب آن در جریان استیذان و وصول پاسخ مبنی بر تجویز اجرای حکم قصاص، و پس از آن محکوم علیه و خانواده وی از طریق برخی معتمدین، مددکاران زندان، ستاد دیه و ... با مراجعه به اینجانب و نیز رایزنی با اولیای دم ضمن پذیرش اقدام به قتل خواستار گذشت از قصاص گردیدند. که البته داغ سنگین و سهمگین مرگ این نوجوان بی گناه، به زعم مادر دلسوخته و عزادار او و پدری رنجور و درمانده و از پای درآمده اگرچه با قصاص نیز پایان نمی یافت لیکن گوشه‌ای از این تالم را مرهم می بود و از این رو تلاش ها در جلب رضایت ایشان کارگر نیفتاد.



**۸- پرده هشتم - ارتکاب قتل توسط نرگس (ر):**

پس از ناکام بودن تمام پرده‌های این نمایش، نرگس (ر) به موجب اقرار نامه ای که در صفحه ۳۹۷ پرونده تقدیم و مضبوط شده است، با طرح داستانی ساختگی و جدید، مدخلیت خود را در حدوث واقعه اقرار نموده است تا بدین سان برای دستیابی مادرش به گریز از قصاص، «فرجی» در «ستون به ستون» این ماجراهای ساختگی محیرالعقول بیابد تا حلول زمان قصاص را بازایستاند!

که البته به موجب رای صادره از سوی شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور مضبوط در صفحه ۳۹۸ پرونده اعاده دادرسی صورت گرفته، مورد رد واقع شد و این چنین تیر دیگر محکوم علیه در تاریکنای دروغ پردازی‌های این پرونده از اصابت به هدف ناکام ماند.

**۹- پرده نهم - ارتکاب قتل توسط محمود (ر) (شوهر محکوم علیه):**

در پرده دیگر این نمایش سراسر کذب، ابراهیم (م) برادر محکوم علیه طی مرقومه ی مضبوط در صفحه ۴۲۷ پرونده مدعی می‌گردد قاتل شوهر محکوم علیه است و نیکبخت (م) (محکوم علیها) نیز به شرح لایحه ی صفحه ۴۳۵ در یک فرافکنی و داستان ساختگی جدید، ابراز می‌دارد: قاتل مهدی م نمی‌باشد و دلیل خودم بر این امر، اقرار همسر محمود (ر) بر قتل مرحوم و گواهی دخترم است و در همین راستا شهادت نامه‌های مزبور در صفحات ۴۳۳ و ۴۳۴ پرونده، دروغ‌های تاسف باری را برای پایمال کردن خون طفلی معصوم و مظلوم رقم می‌زند.

و در همین راستا با اعمال ماده ۴۷۴ ق آدک، پرونده با طرح در شعبه ... دیوان عالی کشور، فارغ از جهت تقاضای اعاده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و با طرح ایراداتی جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض (شعبه حاضر) ارجاع می‌گردد.

قابل توجه اینکه دیوان محترم عالی کشور لزوماً می‌بایست در حدود و ثغور شق یا شقوق مورد نظر متقاضی اعاده دادرسی متذکر در ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی و نفی یا اثباتا در مورد آن اظهار نظر نماید. لیکن با خروج از شق مورد تقاضا در اعاده دادرسی، مبادرت به پذیرش اعاده دادرسی خارج از تقاضا مبادرت فرموده است!



و اما ایرادات دیوان در جریان تجویز اعاده دادرسی؛ پاسخ به این ایرادات؛ و نیز پاسخ به استدلال دادگاه کیفری یک در صدور حکم برائت از قتل عمدی در طی طریق، بر همان مشی دیوان بدون هیچ استدلال مخالف یا اضافی:

## ۱- احتمال دخالت پدر دختر در ایراد ضرب:

بنا بر آنچه گذشت طرح ادعاهای متناقض واهی حکایت از کذب گویی‌های متهمه داشته و یافتن راه گریز به هر وسیله‌ی ممکن برای رهایی از اجرای حکم قصاص، وی را به ورطه‌ی این داستان پردازی‌های دروغین انداخته و قطعاً دستگاه قضایی هرگز تماشایی این نمایش‌های خیمه شب بازی نبوده و نیست! چه اینکه ادعای سابق نیز چنانچه گفته شد از سوی شعبه ... دیوان با رد تقاضای اعاده دادرسی مواجه گردید و اقراریه مسلم و متواتر متهمه جایی برای هیچ‌گونه شبهه‌ای در این خصوص باقی نمی‌گذارد!

## ۲- عدم احراز قصد قتل عمدی:

دیوان محترم عالی کشور در توجیه تجویز اعاده دادرسی، عدم احراز قتل عمدی را مورد امعان نظر واقع ساخته است که این نگاه دیوان عالی کشور، مورد نظر شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم نیز قرار گرفته است.

قابل توجه اینکه بنابر توجیهاات و تاویلات قضایی و استنباطی در این پرونده، قتل واقع با بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انطباق دارد. به موجب این بند، هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌گردد، قتل واقع، در شقوق قتل عمدی است. ولی گویا آنچه در نظر دیوان، موجب این تحلیل شده توجه به بند الف ماده مزبور بوده است!

این در حالی است که وفق بند «ب» ماده مزبور، کار نوعاً کشنده یا فعل نوعاً کشنده مفهومی عام و صرف نظر از آلت یا وسیله قتاله یا غیر قتاله می‌باشد. یعنی آن که ممکن است عمل به اعتبار وسیله‌ی ارتکاب و یا نحوه‌ی ارتکاب، کشنده محسوب گردد و ضرورتی ندارد که حتماً آلت قتاله باشد؛ بنابراین رابطه‌ی بین آلت قتاله و قتل نوعاً کشنده،



رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ به نحوی که آلت قتاله از مصادیق فعل نوعا کشنده می‌باشد؛ اما فعل کشنده منحصر به آلت و یا وسیله‌ی قتاله نمی‌باشد؛ و صورت دیگری نیز دارد. (در تایید این نظر رک: محمدهادی میرصادقی، جرایم علیه اشخاص، ص ۱۱۶؛ ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۱، صفحه ۴۴؛ محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، صفحه ۷۰ به بعد)

**در حال می‌توان گفت که فعل نوعا کشنده، ناظر به وسیله نمی‌باشد؛ بلکه خصوصیت انجام عملی که باعث مرگ مجنی علیه می‌گردد مدنظر است؛ خواه وسیله، کشنده باشد و خواه نباشد؛ و یا نسبت به مجنی علیه کشنده باشد.**

جالب آن که در گزارش معاینه ی جسد (صفحه ۸۵)، بریدگی یک لبه‌ی مورب کوچک قسمت فوقانی پهلوی چپ که لبه ی تیز و حاده آن به سمت خلفی فوقانی مشهود بوده و در شرح کالبدگشایی جسد (صفحه ۸۶) به درگیر شدن بطن‌های چپ و راست قلب و سوراخ شدن و ورود خون زیاد از قلب به آبشامه، و از آن ورود به فضای جنب چپ اشاره شده است و علت تامه مرگ را عوارض ناشی از اصابت جسم نوک تیز (پیچ گوشتی) دانسته و در تطبیق جنایت با بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، هیچ گونه تردیدی نیست.

### ۳- تردید جدی در نوعا کشنده بودن ضربه:

یکی از استدلال‌ات دیوان محترم عالی کشور در تجویز اعاده دادرسی، و موخر بر آن، پذیرش آن از سوی شعبه ... دادگاه کیفری یک، تردید جدی در نوعا کشنده بودن ضربه مطرح گردیده است.

دادگاه محترم بدوی (شعبه ... کیفری یک) تا قبل از حلول وقت رسیدگی به موجب نامه شماره‌ی ... مورخ ... طی استعلام به عمل آمده از پزشکی قانونی، سوال نموده که آیا صدمات وارده ناشی از ضربات با پیچ گوشتی نوعا کشنده بوده است یا خیر؟

که پزشکی محترم قانونی نیز با توجه به اظهار نظر قبلی خود بر همان نظر سابق ابرام نموده چه اینکه پیش از این نیز دادیار محترم اظهار نظر به شرح ذیل صفحه ۱۵۷ پرونده تشخیص نوعا کشنده بودن را امری کارشناسی دانسته و در همین راستا بازپرس مربوطه



به شرح صفحه ۱۵۸ پرونده، مراتب را از پزشکی قانونی استعلام نموده و متعاقب آن اداره کل پزشکی قانونی استان قم به شرح صفحه ۱۶۵ پرونده صراحتاً اعلام و اذعان نموده است:

۱- با توجه به نوک تیز بودن سطح مقطع کوچک سر، و طول نسبتاً بلند پیچ گوشتی، در صورت فرو بردن در بدن شخص با نیروی زیاد، به علت احتمال آسیب عروق بزرگ و احشاء حیاتی در مسیر عبور، می‌تواند منجر به مرگ گردد.

۲- با توجه به صدمات شدید کشنده ایجاد شده در صورت عدم حرکت متوفی نیز مرگ حادث می‌گردید.

و لذا پزشکی قانونی صراحتاً بر نوعاً کشنده بودن ضربه، اعلام نظر نموده که گویا از نگاه قضات معظم دیوان مغفول مانده است.

۴- عدم اثبات علم و اطلاع از اینکه حالت به کار گرفته شده سبب مرگ می‌شود:

دیوان محترم عالی کشور با طرح عبارت یاد شده، در مراتب وجود آگاهی متهم ناظر به ذیل بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی تردید نموده است!

این در حالی است که: اولاً متهمه، زنی عاقل و بالغ با حدود ۳۵ سال سن در زمان واقعه، کاملاً به این امر وقوف داشته؛ در ثانی، وی بر مراتب آگاهی خود در این خصوص صراحتاً اقرار نموده و در پاسخ به سوال دادگاه در صفحه ۲۱۱ پرونده مبنی بر اینکه آیا شما نمی‌دانید پیچ گوشتی نوک تیز به جای حساس بخورد کشنده است، چنین پاسخ داده است: - بلی! و لذا این ایراد دیوان نیز با توجه به طرح سوال یاد شده و پاسخ اعلامی متهم، مورد رد واقع می‌گردد!

۵- ذهنیت امکان تحقق دفاع مشروع از سوی متهمه:

دیوان محترم عالی کشور در شرح پرونده نگاهی گذرا بر امکان ترتب دفاع مشروع داشته است؛ و این دیدگاه، مورد توجه شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم قرار گرفته است! این در حالیست که: بنا بر اظهارات اولیه متهمه و دخترش، دفاع مشروع کاملاً منتفی بوده و مقتول در حال فرار (بنابر اظهار خود متهمه در صفحات ۳۹ و ۴۰) از مخمصه‌ای



که در آن گرفتار گردیده، با ضربه پیچ گوشتی به عنوان علت تامه مرگ، با اندک زمانی از ورود ضرب، از پای درآمده است!

یک فقره از تناقضات در اظهارات اولیه و اظهارات بعدی متهم و دخترش منعکس در پرونده، که سعی داشته اند تحت تاثیر آموزه ها، رفتار ارتكابی را تحت مبحث دفاع مشروع جلوه دهند خالی از لطف نیست:

اظهارات متهمه؛ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲ - گفتم چرا آمدی؟ چرا اذیت می کنی؟ گریه می کردم. می گفت دیگر نمی آیم. گفتم صد بار گفتم ولی باز هم می آیی. یک پیچ گوشتی روی چرخ خیاطی بود برداشتم یک ضربه از پهلویش زدم. سمت پنجره بود خودش را پایین پرت کرد و موقع افتادن یک ضربه هم از ساق پایش با همان پیچ گوشتی زدم!

صفحه ۲۹۶ - دختر متهمه: یک ساعت و نیم با هم توی اتاق بودیم؛ روسری نداشتم ولی تاب و شلوار پوشیده بودم. بعدم مادرم آمد... مهدی را توی کمد دیدم... بعد مادرم کمی با مهدی حرف زد... مادرم پیچ گوشتی را گرفت که دستش را بزند دست من را رها کند. مهدی دستش را آورد بالا به پهلویش خورد... خونی چیزی نیامد... می خواست برود به ۱۱۰ زنگ بزند من جیغ زدم... دوباره آمد پیش من، در بسته شد. اون موقع با پیچ گوشتی به پهلویش زد... بعد دمپایاشو انداخت بیرون... خودش را انداخت پایین و فرار کرد...

صفحه ۳۰۱ - متهمه: دخترم دستم را سفت گرفته بود... رفتم شوهرم را خبر کنم که دخترم جیغ زد برگشتم دیدم دست دخترم را گرفته است... پیچ گوشتی را برداشتم میخواستم به دستش بزنم که دخترم را اول کند بعد رفت سمت پنجره گفتم بپرد بیرون دست و پایش نشکند که از پنجره رفت بیرون!

سوال دادگاه در صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴ از متهمه: آیا رفتار شما برای دفع خطر و تجاوز ضرورت داشته؟

- نمی دانم. او می کشید من می کشیدم!

سوال - از در و پنجره سه متری دخترت را کجا می خواست ببرد؟

- اون موقع در بسته نشده بود وقتی مهدی را با پیچ گوشتی زدم عقب عقب رفتیم یا من یا دخترم به در خوردیم و بسته شد!



با دست راست زدم و دست چپ مقتول سمت من بود. فک کنم با دست راست دخترم را گرفته بود.

سوال - خب شما باید قاعدتا به دست راستش می‌زدی که دست دخترت را ول کند نه با دست چپ که به قلبش بخورد؟

-... من فقط قصدم این بود که دست دخترم را ول کند!

## در بررسی این اظهارات، چند نکته در پردازش صحنه قتل و در جهت رد دفاع مشروع قابل طرح و استنتاج است:

الف- مقتول، با توجه به هماهنگی قبلی و با همکاری دختر متهمه در منزل خلوت نموده بودند.

ب- دختر متهمه، با تمایل به این خلوت، در غیاب والدین خویش، درب منزل را شباهنگام باز گذاشته و مقتول را به منزل دعوت نموده است.

ج- حضور یک ساعت و نیمه مقتول در منزل با دختر متهمه و خلوت آن دو، و عدم هر گونه اعتراض از سوی دختر متهمه، نشان از همکاری و تعامل وی با مقتول داشته است.

د- با حضور متهمه، مقتول در کمد مخفی می‌گردد لیکن متهمه متوجه حضور وی شده، و مقتول بلافاصله قصد فرار از آن موقعیت را داشته است به طوری که برای فرار، به جهت بسته بودن درب و عدم فرصت کافی برای باز کردن آن، ناگزیر راه پنجره را برای فرار انتخاب نموده است.

ه- طبیعتا با بسته بودن درب، امکان بردن دختر متهمه توسط مقتول وجود نداشته است!

و- به رغم آنکه بنا بر اظهارات، قصد تماس با ۱۱۰ و یا خبر نمودن پدر خانواده بوده (صرف نظر از این تناقض)، هیچ کدام از این اقدامات، عملی نشده است!

ن- مقتول در تب و تاب فرار از آن شرایط، در حال فرار از پنجره، مورد ضرب قرار گرفته و حتی با همان پیچ گوشتی ضربه ای نیز به پای وی - که علی الظاهر با توجه به تعجیل در فرار مقتول، با اصابت جدی از سوی متهمه همراه نبوده و بلااثر مانده- وارد گردیده است.



**برای تحقق دفاع مشروع لازم است که:****۱- خطر، فعلیت داشته باشد و غیر قابل دفع باشد.****۲- حمله غیر عادلانه و بر خلاف حق باشد.**

تا زمانی که معلوم نشود مهاجم قصد تعرض دارد شخص حق دفاع ندارد. همچنین واکنش خوف از تعرض آینده و عکس العمل در مقابل تعرض پایان یافته، دفاع محسوب نمی‌شود. ضمن آنکه عمل ارتكابی باید بیش از حد لازم نباشد. بنابراین دفاع، باید ضرورت داشته باشد. از طرف دیگر، متناسب بودن دفاع با حمله است. شعبه ۲ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۲/۱۵۸۸ مورخ ۱۵/۷/۱۳۲۷ اذعان نموده است که: دفاع در صورتی متناسب با حمله است که طرفین مسلح به سلاحی شبیه به یکدیگر یا در حکم شبیه به یکدیگر باشند بدین معنی که هر دو چوب یا اسلحه و یا آلت مشابه داشته باشند.

به عبارت دیگر، دفاع وقتی متناسب است که بین صدمه احتمالی ناشی از تعرض و صدمه‌ای که برای پرهیز از آن ارتکاب جرم، ضروری است ارتباط منطقی وجود داشته باشد (رک: محمد علی اردبیلی، ح ج ع؛ ج ۱، ص ۲۰۳)

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ به موضوع دفاع مشروع پرداخته است.

ماده ۱۵۶ بیان می‌دارد: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. این امر به این معناست که ارتكاب فعلی که در شرایط عادی جرم است، تنها وسیله رهایی شخص از حمله باشد، در غیر این صورت، دفاع مشروع مصداق پیدا نخواهد کرد.

ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. در واقع در دفاع مشروع تجاوز باید اقدامی باشد که شخص متعارف و عاقل در آن شرایط برای حفظ جان، مال و آبروی خود ناگزیر به انجام دفاع باشد.



پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.  
ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

ث- تناسب دفاع با حمله: برای فهم تناسب دفاع با حمله، دفاع باید در حد حمله باشد. تعیین این شرط که عمل مدافع برای دفع حمله کافی بوده یا بیش از حد نیاز بوده در هر مورد خاص باید توسط قاضی احراز گردد.

حال با این ملاحظه و تجسم شقوق فوق الاشعار، و بایک نگاه هر چند شتابزده به نکات مستخرج از اظهارات متهم و دخترش در شرح واقعه، چگونه می توان رفتار ارتكابی را در چارچوب دفاع مشروع توجیه نمود؟

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم

سر حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم

(حافظ)

باری، با پوزش از بابت اطاله این مرقوم و با عنایت به مراتب مذکور، و توجهها به اینکه رای سابق مبنی بر حکم قصاص، مستند به بند «ب» ماده ۲۹۰ با لحاظ این که کلیه جوانب احتیاطی و رد کلیه ی شبهات احتمالی، با مذاقه ی کامل در مضبوطات و محتویات پرونده و با تکیه بر وجدان و عدالت قضایی و لزوم احترام به دماء مسلمین و در راستای اجابت حکم الهی اصدار یافته، از قضات شریف و وارسته دیوان محترم عالی کشور استدعا دارم با توجه به آیه ی شریفه قصاص، و با عنایت به بند ب ماده ۲۹۰ و نظر حضرت امام(ره) در کتاب تحریر الوسیله، کتاب قصاص، مساله ی ۱ که فرموده اند: «و یتحقق العمد محضاً... و بقصد فعل یقتل به غالباً و ان لم یقصد القتل به» ضمن اعتراض به دادنامه صادره به جهات مندرج در ماده ۴۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری با تاکید بر خواست اولیای دم مقتول، توجهها به بند ب ماده ۴۶۹ نقض دادنامه معترض عنه (برائت از قتل عمدی) را خواستارم. نومید نیستم ز ترازوی عدل حق زان سر دهندهر چه از این سر نداده اند (صائب) رحمت اله نصیرپور

\*\*\*



با وصول اعتراض در قالب لایحه فرجام خواهی به دیوان محترم عالی کشور، شعبه مرجوع الیه به شرح ذیل مبادرت به اصدار رای نموده است و النهایه دادنامه فرجام خواسته را در صدور حکم برائت متهمه از اتهام قتل عمدی ابرام نموده است:

### \* دادنامه دیوان عالی کشور

خلاصه جریان پرونده:

محتویات پرونده محاکماتی دلالت دارد که: چون در خصوص موضوع به وسیله شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم گردشکار مبسوط و کاملی تنظیم گردیده به گردشکار خلاصه ای بشرح زیر بسنده می شود: خانم نیکبخت (م) در نیمه شب مهدی (م) فرزند شیرعلی را لخت در اتاق خواب دخترش خانم نرگس (م) که او هم نیمه لخت بوده است مشاهده می کند با پیچ گوشتی به او حمله ور می شود و یک ضربه به پهلویش می زند و مجروح می گردد. مجروح از پنجره اتاق که دو متر ارتفاع داشته خود را به بیرون پرتاب کرده ولی به لحاظ جراحات وارده فوت می نماید. پس از تحقیقات ابتدایی معلوم می شود که شب حادثه مقتول با خانم نرگس (م) ارتباط داشته و به منزل آنان رفته و از این طریق قاتل، شناسایی خانم نیکبخت (م) اقرار می نماید که مقتول را در اتاق خواب دخترش مشاهده نموده و چون مقتول مدت شش سال با دخترش رابطه داشته و مزاحمت ایجاد می کرده است قصد داشته با پیچ گوشتی به دست او بزند که به پهلویش اصابت نموده است. پس از رسیدگی های مقدماتی و تحقیقات اولیه و اخذ نظر پزشکی قانونی پرونده در شعبه ... دادگاه کیفری یک قم مورد رسیدگی قرار می گیرد و متهمه به قصاص نفس محکوم می شود. رأی صادره پس از رفع نقص مورد نظر دیوان در شعبه ... دیوان عالی کشور ابرام می گردد. از رأی مذکور تقاضای اعاده دادرسی می شود. پرونده در شعبه ... دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و چنین استدلال شده که مقتول دختر غیر رشیده ای را بدون اطلاع والدین اغفال کرده، سال ها (قریب شش سال) با وی ارتباط جنسی نامشروع داشته است این اعمال مقتول خانواده نرگس (م) را به تنگ آورده و مشاهده مهدی (م) در شب حادثه با آن وضع نامناسب والدین نرگس م را به شدت ناراحت ساخته و با حالت عصبانیت و گریه بر سر مقتول فریاد می کشیده و می گفته است



از جان دخترم چه می‌خواهید و با پیچ‌گوشتی ضربه‌ای به وی زده است. در خصوص اینکه آیا نوع ضربه کشنده بوده است تردید جدی وجود دارد و قصد قتل عمد هم احراز نمی‌گردد. علم و اطلاع محکوم علیها از اینکه آلت بکار گرفته شده سبب مرگ خواهد شد ثابت نیست و اینکه دادگاه در رأی اولیه خود عمدی بودن قتل را بحق حمل تردید دانسته خصوصاً اینکه در مقام دفاع از عرض و ناموس خود بوده است اما دفاع از حد متعارف تجاوز نموده است و بر طبق بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعاده دادرسی را اجابت نموده و تجویز کرده است. در این مرحله پرونده در شعبه ... دادگاه کیفری یک قم مورد رسیدگی قرار گرفته متهمه خانم نیکبخت از اتهام قتل عمدی برائت حاصل می‌نماید اما از حیث قتل شبه‌عمد به یک فقره دیه کامل مرد مسلمان و سه سال حبس تعزیری محکوم می‌شود. از سوی وکیل اولیاء دم نسبت به رأی مزبور فرجام خواهی شده است و به این شعبه ارجاع گردیده است. هیأت شعبه پس از مذاقه در اوراق پرونده و استماع گزارش عضو معاون و مطالعه لایحه دفاعیه فرجام خواه و جلب نظر دادیار دیوان عالی کشور به شرح برگ جداگانه مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

## رأی شعبه

راجع به فرجام خواهی رحمت اله نصیرپور شهرضا به وکالت از آقای (م) و خانم حمیده (الف) اولیاء دم مرحوم مهدی (م) نسبت به رأی شماره ... مورخ ۴/۱۱/۱۴۰۱ صادره از شعبه ... دادگاه کیفری یک استان قم متضمن برائت خانم نیکبخت (م) از اتهام قتل عمد و محکومیت مشارالیه‌ها به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان و تحمل سه سال حبس تعزیری باتوجه به محتویات پرونده رأی صادره بر موازین قانونی منطبق است از لحاظ رعایت قوانین شکلی و ماهوی و تشریفات رسیدگی ایراد و خدشه‌ای بر آن وارد نیست از سوی فرجام خواه هم ایراد و اعتراض مؤثری که براساس حکم خدشه‌ای وارد آورد بعمل نیامده لذا فرجام خواهی فرجام خواه غیروارد تشخیص و رد می‌گردد به تجویز بند الف ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه فرجام خواسته عیناً ابرام می‌گردد.

\*\*\*



لازم به ذکر است، متن دادنامه‌های اصداری از محاکم با رعایت کامل امانت و بدون اعمال نکات ویرایشی، عیناً و بدون هرگونه تغییر و تصحیح منعکس گردیده است.

### \* نقد و نظر:

اتقان، استحکام و انسجام آرای قضایی از جمله ضرورت‌های نظام قضایی عادلانه به شمار می‌رود که تحقق این مهم، موجب ارتقای کیفیت دادرسی می‌گردد و علاوه بر ایجاد استحکام در نظام قضایی و نشان دادن همترازی علم قضاوت، با اصل رعایت عدالت نیز همخوانی و مصادفت دارد و مانع اطاله دادرسی می‌گردد.

اعمال سلیقه‌های گوناگون، منجر به صدور آراء متفاوت و متهافت در پرونده و موضوع واحد گردیده که نشانگر تفاوت فاحش در آراء قضایی و عدم توازن در احکام اصداری است و از شأن نظام قضایی عادلانه خارج است.

استحکام و اتقان آراء قضایی دارای مولفه‌ها و شاخص‌های شکلی و ماهوی متعددی است. شاخص‌های اتقان آراء علاوه بر رعایت بایسته‌های شکلی و ماهوی در متون آراء، رعایت اصول و قواعد عمومی انشای رای، توجه به ساختار رای و شاخص‌های نگارشی آن و آراسته شدن آراء قضایی به اصول و قواعد شکلی نگارش در پرتو رعایت ساختار شکلی، شامل لزوم مستدل و مستند بودن آراء صادره از دادگاه‌ها، موجه بودن (لزوم توجیه عقلی و منطقی)، رعایت اصول حقوقی در صدور آراء، ممنوعیت اصدار حکم به صورت کلی و لزوم تعیین تکلیف به صورت خاص، کفایت جهات و دلایل اثباتی و قدرت اقناع آوری رای مستند به اسناد و دلایل، انسجام و وحدت سیاق مفاد رای و تطابق استدلال و استنادات مندرج در آن و نیز تطابق و همخوانی رای صادره با سایر آراء در موضوع واحد و ... می‌باشد که در این میان عدم تناقض در آراء صادره در موضوع واحد و انسجام آراء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در همین راستا دستورالعمل ارزیابی اتقان آرای قضایی (بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۴۷۱۷۲/۹۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۹) در راستای اجرای بند (د) ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مبنی بر ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی در طول اجرای قانون برنامه و در راستای تأکیدات



مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت اتقان آراء قضایی و فراگیر شدن آن و نیز نظارت کیفی بر نحوه عملکرد قضایی و افزایش صدور آرای متقن و مستحکم به تصویب ریاست محترم وقت قوه قضائیه رسیده است. این مهم از طریق آموزش صحیح و به عبارتی ارائه دقیق معیارها و ضوابط انشای رأی متقن صورت می‌پذیرد که در سیاست‌های کلی امنیت قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقام معظم رهبری در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت مورد تأکید قرار گرفته است.

اینک با توجه به مقدمه مذکور، لازم به ذکر است در پرونده حاضر، اشتباهات فاحش نگارشی در دادنامه‌های اصداری محل توجه و تذکار است. ذکر نام پدر مقتول (یکی از اولیاء دم) به عنوان وکیل محکوم علیه، در خلاصه جریان پرونده در دادنامه صادره از شعبه اول دیوان عالی کشور (در مقام تجویز اعاده دادرسی) و نیز درج نام خانوادگی متعلق به مقتول و متهمه در مقابل نام دختر متهمه (با این توضیح که نام خانوادگی مقتول و متهمه مشابه بوده و با نام خانوادگی دختر متهمه تفاوت دارد)، از اشتباهات نگارشی فاحشی است که خواننده را دچار ابهام و سردرگمی می‌نماید و چه بسا تراکم پرونده‌ها و ارائه آمار در محتومه‌سازی پرونده‌ها، موجبات اشتباهات این چنینی را فراهم می‌آورد که قابل توجیه نیست.

علاوه بر اشتباهات نگارشی فوق الذکر، صدور آراء متفاوت در موضوع واحد با استدلال متفاوت، محل تامل جدی است، چه اینکه در پرونده حاضر -همچنان که معروض گردید- متعاقب مطابقت موضوع مطروحه با ماده ۴۷۲ قانون مجازات اسلامی و منتفی دانستن قصاص از سوی شعبه اول دادگاه کیفری یک استان و فرجام خواهی اولیاء دم از دادنامه صادره؛ النهایه شعبه چهارم دیوان عالی کشور با توجه به استدلال مطروحه در دادنامه به لحاظ نقص تحقیقاتی، دادنامه را کلاً نقض و جهت رسیدگی مجدد به همان شعبه (شعبه اول دادگاه کیفری یک) برای تکمیل تحقیقات ارجاع می‌نماید.

شعبه اول دادگاه کیفری یک نیز پس از انجام تحقیقات موردنظر، با عدول از نظرگاه اولیه، قائل به عمدی بودن قتل گردیده و حکم به قصاص نفس متهمه صادر می‌نماید. متعاقب فرجام خواهی متهمه، مراتب مجدداً در شعبه چهارم دیوان عالی کشور مطرح و



شعبه مذکور محکومیت قصاص محکوم علیها را بلاشکال تشخیص و از حیث نتیجه ابرام می‌نماید.

با قطعیت حکم قصاص محکوم علیها، دختر وی برای گریز از اجرای حکم قصاص مادرش به طرح داستانی جدید متوسل می‌شود و به ارتکاب فعل مادی بزه قتل اقرار مینماید. با این وصف، محکوم علیها تقاضای اعاده دادرسی را به استناد اقرارنامه دخترش طرح می‌نماید، لیکن شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور با توجه به عدم اثبات ادعای مقرر در مراجع قضایی صالح، موضوع را از بند "پ" ماده ۴۷۴ خارج تشخیص و قرار رد درخواست صادر می‌نماید.

متعاقباً محکوم علیها با ارائه سه سند محضری مشعر بر اقرارنامه همسرش به قتل و شهادتنامه دخترانش به وقوع قتل توسط پدرشان در یک داستان پردازی جدید! مجدداً تجویز اعاده دادرسی را تقاضا می‌کند.

این در حالی است که دختر متهمه سابقاً در اظهارات خویش و در پاسخ به سوالات دادگاه محترم، بر عدم دخالت پدرش در قتل و عدم اطلاع پدرش از موقوع، تصریح نموده است که اظهارات دختر متهمه در اینخصوص، در دادنامه صادره از شعبه چهارم دیوان عالی کشور (که در مقام نقض رای شعبه اول دادگاه کیفری یک صادر شده) منعکس گردیده است.

با این وجود، دادستان محترم عمومی و انقلاب قم مراتب را مستنداً به بند "پ" ماده ۴۷۵ و در راستای بند "ج" ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به رئیس محترم دیوان عالی کشور اعلام می‌نماید.

شعبه اول دیوان عالی کشور نیز در مقام رسیدگی به اعاده دادرسی، از جهت مورد تقاضای اعاده دادرسی (بند ج ماده ۴۷۴) گذار نموده - و علیرغم انجام تحقیقات و رسیدگی‌های مفصل در این خصوص - به مواردی که قبلاً مورد رسیدگی واقع شده، ورود نموده و با تردید جدی در نوعاً کشنده بودن ضربه و عدم احراز قصد قتل عمدی و عدم اثبات علم و اطلاع متهمه از کشنده بودن آلت به کار گرفته شده و طرح موضوع دفاع مشروع، تقاضای اعاده دادرسی را خارج از جهت مورد تقاضای اعاده دادرسی (بند ج) مورد



اجابت واقع ساخته و مراتب را منطبق با بند "چ" ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته است. و بدین ترتیب بدون آنکه هیچ‌گونه واقعه‌ی جدیدی حادث و یا ادله‌ی جدیدی ارائه شود، پرونده به شعبه‌ی هم عرض (شعبه سوم دادگاه کیفری یک) ارجاع گردیده است و شعبه‌ی مذکور نیز با تمسک به دیدگاه دیوان عالی کشور، متهمه را از اتهام قتل عمدی تبرئه نموده است و النهایه متعاقب فرجام خواهی اولیاء دم، شعبه اول دیوان عالی کشور نیز دادنامه صادره را عیناً ابرام نموده است.

لذا علیرغم آنکه قبلاً تحقیقات و رسیدگی‌های قضایی صورت گرفته و عقیده دیوان محترم عالی کشور بر قتل عمدی بوده و بدون آنکه هیچ واقعه جدیدی حادث یا دلیل جدیدی ارائه شده باشد، چگونه و با چه توجیه قانونی می‌توان قائل به نقض رای قطعی گردید؟!

چگونه و با چه توجیهی می‌توان در تخالف مسلم با آرای سابق الصدور بدوی و دیوان عالی کشور، و نیز با نفی استیذان صادره، حکم برائت از قتل عمدی صادر نمود؟! مسلماً اعاده دادرسی، استثنایی بر امر مختومه است و صرفاً باید در موارد و مصادیق منصوص قابل پذیرش باشد، چه اینکه در موارد استثناء باید به قدرمیتین اکتفا نمود. در غیر این صورت به اصل استحکام آراء قضایی لطمه وارد می‌نماید.

اهتمام بر ائتقان و استحکام آراء صادره از دادگاه‌ها از ضروریات نظام قضایی است و تجویز و توسعه "اعاده دادرسی" فراتر از موارد استثناء و منصوص، منتهی به صدور آراء متفاوت در موضوع واحد گردیده و اصل استحکام و ائتقان آراء قضایی را نفی و موجبات تزلزل آراء قضایی را فراهم آورده است که در این مجال خوانندگان محترم را به قضاوت در گزارش و نقد و بررسی صورت گرفته، دعوت می‌نمایم.



کتابخانه مجلس شورای اسلامی